

اقدامات بی اجر سازند و باقیه شبه امورات لازمه را معوق دارند و راه وسیله و نجات اهالی را از هر طرف مقطوع نمایند و رفته این همه تظلمات و خسارات مزین بمر علماء اعلام و اعیان و اشراف موجود است بواسطه تلگراف صریح مذکور معروض میشود، اول جوابی که از رئیس تلگراف میرسد باید وجه معند به بدهید و الا صریح شما بجا نمی رسد و فائده ندارد، معلوم است وقتی ریاست کلی در عربستان و امورات واجبه در تحت قانون نباشد از این بهتر نخواهد بود، اگر مروت مسلمان همین است و رسیدگی امور مملکتی چنین است پناه میبریم بخدا، ولی امید است از توجهات کامله اولیاء دولت و ملت این صفحه را نیز مانند سایر بلاد از قیدرقبت امن و آزاد فرماید و از این خدمات و لطافت رهائی بخشند و بزودی احقاق حق بیچارگان ستم زده بکشت رعیت بی پناه نمایند و بیش از این در ثلثه سختی و گرفتاری ندارند

### ◀ جبل القری ▶

امیدواریم حکومت جلیله برضداشت مذکور مراجعه فرموده هرگاه عناوینش مقرون بصدق باشد حمایت مظلومین را از دست ندهند و از شخص ایشان جز حق گوئی و حق جوئی مترصد نبوده و نیستیم

### ◀ تلگرافات طهران بموم بلاد ▶

عموم ولات با احتشام و حکام ذوی الاحترام ولایات ممالک محروسه، بر حسب حکم وزارت جلیله مایه مقرر است که از اول شهر حال صورت پایدات ولایتی را غیر از آنچه در دستور العمل دیوانی جمع شده است ماه پناه صورت صحیح بوزارت داخله بفرستند که برای صحت جریان امور مایه بوزارت مایه فرستاده شود و از جاهای دیگر هم مشغول تحقیقات هستم باید صورتیکه میفرستید مطابق واقع و از روی صحت باشد (وزیر داخله)

### ◀ ایضاً ▶

سابقاً تلگراف مؤکدی در مطالبه بودجه و صورت بجزء مخارج ایالتی و ولایتی اداراتیکه جزو وزارت داخله هستند بدم چون تا بحال نتیجه حاصل نشده و وزارت جلیله مایه بجداً بودجه

وزارت داخله را خواسته اند که هرچه زودتر بمجلس مقدس شورای ملی شیداقت ارکانه پیش نهاد شود و تا خیر آن بهیچوجه مقتضی نیست، مجدداً بتاسکید هرچه زودتر این تلگراف عمومی را صادر و مخبره نموده منتظرم بوسیله سربیه صورت مخارج ادارات ایالتی و ولایتی و حکومتی های جزو و مباشرین بلوکات و ادارات نظمی و غیرها آنرا هرچه جزء وزارت داخله است بهر اندازه سکه برای حالت حالیه ولایات لازم و محتاج الیه میدانید فوراً حاضر نموده باولین وسیله بوزارت داخله بفرستید که در ظرف همین چند روز باید این صورتها در وزارت ملاحظه و ضمیمه بودجه کلی وزارت داخله شده بمجلس مقدس پیش نهاد شود و البته صورت پایدات حالیه حکومت و ادارات مزبوره را هم صحیحاً باید ضمیمه همین صورت نموده بدون معطلی روانه فرمائید که با همه تاکیدات که در سرعت انجام اینکار بعمل آمده هیچگونه تأمل و تاخیر را جایز نخواهید شمرد

وزیر داخله

### ◀ ایضاً ▶

دو روز قبل تلگراف مؤکد در مطالبه صورت مخارج اداره حکومتی و بلدی و نظمی و غیره کرده بودم، حالاً هم چون این صورت را تا سه روز دیگر جداً از مجلس مقدس مطالبه دارند تا کیداً دوباره زحمت میدهد که اولاً این بودجه بودجه کلی خواهد بود يك صورت وقتی از مخارج فوری ضروری است سکه باید با کمال قناعت و اقتصاد برآورد آن را (بقدری که نه زیاد روی شده و نه نظم محل بحال حالیه امروز خیر مرتب باشد) هرچه زودتر کرده میزان یکماهه هر يك ادارات مزبوره را تلگرافاً اظهار داشته و با اولین پستی که حرکت نماید صورت باسم و رسم و بجزو آنرا ارسال فرمائید، ثانیاً کمال دقت فرمائید که با دست تنگی حاضره خرج تراشی برای دولت نشده فقط آن مقدار مخارجی را که موقع لزوم و ضرورت برای نظم مملکت دارد و اگر داده نشود ادارات حاضره فعلاً نمیتوانند از عهده وظایف خدمت مرجوعه برآیند صورت بدعنه، البته تکمیل ادارات و ترابیات مخارج آن را در بودجه کلی که ارائه

سلك حاشر ميكنيم ملاحظه خواهد شد از مبادات ادارات هم بهمان طور كه در تلگراف سابق توضيح كردم صورت صحيح خواسته در ضمن همین صورت تلگراف فرمائيد وزير داخله

**بوشهر**

امروز صبح در عين باران جناب دريايكي از جهاز برس پليس كه ديشب آمده بود و در قاوی لشكر انداخته بود بياده و بمقر حكومت خود متمكن شد ، چون باران مجال نداده کسی امروز ملاقات نكرده است ، اميد است حالا كه آمده اند نواقص را رفع فرمائيد و ترتيب انجمن وكلاء و مبعوثان طهران را بدهند ، هر چند بعضی را عقیده این است ( تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز ) اميدواريم برخلاف عقیده مردم باشد ، و همین قسم كه در اول ورود خود را بنسروطه خواهی علم كردند بهتر و بیشتر از سابق پیروی كند كه بزرگان فرموده اند -

( گر باند نام نیکی زادی )

( به گزرو ماند سرای زونكار )

ولی تا وقتی كه دور دريايكي چند نفر مشد بكار بيجار سخن چين جمع هستند ( در جبين این كشتی نور رستكاری نیست ) خداوند بفریاد مردم و خودشان برسد

( ايضاً )

امروز كه بجم ديججه ميشاهد بیشتر از شب جمعه و روز جمعه سوم زول باران در بوشهر است قسمی كه در معبرها راه عبور را آب گرفته مثل سبل آب از آسمان جاريت ، حالا خبر رسيد كه اغلب انبارهای كرك را كه مال التجاره زياد (خاصه قند و شكر و چائی بوده ) آب گرفته كه از جلوگیری آب عملجات عاجز بودند و گویا انباری هم خراب شده و ضرر كلی به تجار رسیده خداوند همه ما ها هوش و عقل داده لاكن مهمل گذاشتيم

ملاحظه فرمائيد كه فرنگها هماتیكه ميسازند دوپست سيصد سال دوام دلدرد و ما هنوز نساخته كزایه اورا ميشوایم و این انبارها كه آب گرفته اغلب از ملكهای مصنوعی معین التجار است كه مختصری خرج ابر کرده اسمش را انبار گذاشته

ملی مبانى كرايه ميگيرد و این تجار بيجاره بی علم كه سالی كای كرك و بول حق الارض وغيره وغيره ميدهند يك كله نمی گویند كه همارت را محكم كن آنوقت كرايه بگیر ، پس تقصير از خودمان است و بس

**قوچان**

( دردا كه دواي درد گمنای ما )

( افسوس كه چاره بریشانی ما )

( درعهده جوی است كه بنداشته اند )

( آبادی خویش را بوبرانی ما )

بذكر چنین وقایع جانب سوز و ما آوار بقدمه باید مبادرت نمود و بی شرح و بسط اورا خانه داد ، زیرا كه اطلاع و اعتبار در اینگونه موارد دل قارئين را ریش و حواستان را برش خواهد ساخت ، یکنفر آخوند قوچانی برای پیشرفت مقاصد خویش ، و بجهت استقلال خود خود همه دیگران را بی موجب مرؤس و خود را رئیس سازد ، زن بيجاره را كه داد خواه و دادگر نداشته است به تهمت زنای محصنه حكم سنگ سا ریش را میدهد ، عوام كالانعام بيجاره زن را از شهر بیرون میندند ، آت بیکس را در میان جاهی دو زرعی انداخته سنگهای سه من و چهار منی را برداشته و بفرق ضعیفه ميگویند تا مظلومانه جان بجان آفرین ميسپارد ، بعد از رحلت و فوت وی دخترش باقائمه شهود و پنه ثابت ميکنند كه اولاً مادر من مجنونه بود ، ثانیاً طلاقنامه وی را ارائه میدهد كه مادر من شوهر نداشت و همین شخصی را كه شا اورا ذاتی ميشواید شوهر وی بوده است ، فرضاً شوهر وی نباشد زنا موث قتل او نمی گردد ، بعد از ثبوت صد تازیانه بمحکم شرع حد وی بوده ، شیخ ابراهیم نامی كه از خویشاوندان حاجی معاون التجار مشهدي است ، در ظاهر بجهت آن مظلومه و در باطن بجهت آخوند بر ميشیزد ، طلاقنامه و عقدنامه را از آن دختر ميگيرد بعنوان اینکه بیهم در مشد و خونخواهی مادرت را بنجام ، از قوچان حرصکت نموده و فعلاً در مشد هوقف است طلاقنامه و عقدنامه را نیز پاره می نماید ، آخوند كه اینكار را برای جلب منقعي نموده بود مقصود

فرد نایل میشود یعنی بهکنفر از رجال قوجان  
بکاب خانه خدمت او میباشد

• • •

بموجب تلگرافات واصله از مشهد شب همین  
روز را چند نفر از خود سرها و اشرار و الواط  
بن شهر را که سردسته شان سید آقا کوچک بود  
در این انقلابات اخیره ایران مبالغی از اموال  
سردم را بضاوین مختلفه برده و خورده بودند و  
باز دست از سر ملت بر نمیداشتند مفلولاً رهسپار  
دارالحبس کلات گردیدند امضاء (ق - س - ن)

### جلالین

آقایان عظام را خیلی شایسته است مقام نازک  
امروزه مملکت اسلام را سنجیده مزید هرج و مرج  
نکردند - اجرای حدود شرعیه در عدالت اسلامی  
باید بشود، ورنه هر آخوند که داعیه ریاست دارد  
اگر بنا شود که اینگونه اقدامات بکند هیچ گونه  
انتظامی در مملکت قائم نخواهد گردید و عاقبت  
بی نظمی داخله این مملکت اسلامی را بچنگ خارجه  
خواهد انداخت، مقام منبع ریاست روحانی اسلام  
واست که درین موضوع تبیین نامه برای اینگونه شهرت  
طلبان انتشار فرموده عدالت خانه اسلامی را تأیید  
فرمایند و بدست اینگونه اشخاص مهمل نگذارند

### تربت

درنامه مقدس که زیارت نمود مرقوم فرموده  
بودند که بعد از قتل غلام علی لر در طرق  
و شوارع خراسان امنیت حاصل است، گویا از  
صفحات قوجان عرضی نموده اند و الا خط جنوبی  
خراسان را از ایام عید سلطانی سالار خان بلوچ و  
اسدالله خان قرانی بتدری مشوش از سفک دماء و  
هتک ناموس و سرقت اموال نموده اند که عقول  
سارقین فارس متحیر است، اولاً با جمعی شبانه داخل  
تربت حیدریه شده فوراً داخل خانه شجاع الملک  
امیر بچه که قریب بود مرحله از عمرش گذشته و  
بدرج وجه اذیتش باحدی نرسیده و مرتکب پاره  
منای نگردیده طلوع صبح سرجای نماز مشارالیه را  
مقتول نموده شهر را متصرف شدند وجه فدی که  
همراه مرحوم شجاع الملک بود از سایر تجار و کسبه  
هم بانواع اقسام صدمه و تهدید باسامی مختلف پول

گرفته روز بروز بر جمعیت شان افزوده شد که کل  
هم اظهار همراهی بشروطیت و قولون بافواهم مالین  
فی قلوبهم نموده بدلیل اینکه بجز فغانی خدمتی  
بشروطیت نمودند، بعد از چندروز حرکت نموده با  
جمعی کثیر ارازل بقریه سکنای و همه مرحوم شجاع  
الملک تاخته چندین سکرور پول نقد مشارالیه را که  
هیچیک از رجال دولت این قدر وجه نقد نداشت  
با اساس الیبت و مواشی و ذخیره حتی درب خانها و جمعی  
از ذکور و اناث ورثه مشارالیه را مقتول نموده مدت  
یکماه مشغول غارت اموال شجاع الملک و بستگان او  
بودند، جناب صدرالملاء را هم در چهار سوق بازار  
تحریر بعضی از ملانایان مقتول نمودند و بمضمون  
[الدنیای حیه و طالبها کلاب] بواسطه پول های زرد  
شجاع الملک بن سالار خان و اسدالله خان به تشاجر  
انجامید و بعد از فرانت از چپاول تربت و محال جز  
مقتول شدن مرحوم حاجی ملا سلطانعلی کنابادی را  
سالارخان استماع نمود بکان اینکه در بساط آن مرحوم  
هم ذخیره و اندوخته خواهد بود با سیصد هر بلوچ  
حرکت بسست کناباد نمود و جناب حاجی ملاعلی پسر  
آن مرحوم را با جمعی از بستگان شان یکماه حبس  
و خانه شان را غارت و تاراج کرد و کراراً از مقام  
منبع سپه دار اعظم و وزارت داخله و ایالت کبری  
احکامات در استخلاص و استرداد اموال آقای  
حاجی ملاعلی رسید اطاعت نه نموده چوشت  
حضرات استمدادی که رفع طمع او شود نداشتند  
بلوچها را بجمع دهات کناباد مستغرق نمود هرکس  
لقمه نانی و براتی داشت گرفته، قریب چهل هزار  
تومان از کناباد جریمه گرفت

چوشت تفضلات آلی شامل حال گردیده صیت  
استقلال مشروطیت و آوازه عدالت بلند شد و  
تلگرافات عدیده از طرف بندگان آیةالله خراسانی هر  
مرد و منع او رسید و از طرف اولیای دولت و ایالت  
خراسان تلگرافات سخت بحکم ولایات در حرکت  
آنها از کناباد آمد آنوقت مصلحت خود را به  
توقف کناباد ندیده طازم [علیک] محل سکنای خود  
شده و در آنجا با جمعی علم استقلال را برپا نموده و  
چند طایفه که در تحت حمایت او هستند از دادن  
مالیات طاع و طارق و شوارع خط جنوبی خراسان را  
مشوش و بکلی میدود نموده مبالغی اموال تجار و

خواه از علی‌الزورس بسرقت برده رفیق اسدالله خان قرائی او را بر حسب امر مبارک اولیای دولت ابد مدت مقتول و بکفر اعمال خود رسید ، در مورد خود او نیز گزارا در استرداد اموال مردم و مجازات او اولیای دولت ابد مدت حکم فرموده اند ، ولی تا وجوه نقدینه و فالجچه و روغن در حضور بعضی از آقایان مقبول بوده باشد بدفع الوقت خواهد گذشت ، امیدواریم که منتقم حقینی بر قدرت اوایای امور افزوده این خار را از سر راه مسلمانان بردارند ، آنچه تصور شود در محال تربت از سرقت و هتک احترام و سفک دماء و بی‌ناموسی فروگذار نشده ( مسلمان نشنود کافر نه بیند )

معارف خواهی یا کسب اطلاع

بزرگترین خدمت وطنی امروزه این است که هر نسیم مسارف و توسعه و ازدیاد مدارس و حسن ترتیبات تعلیم و تسهیل امور آن کوشش شود و باصول صحیح و قوانین منظمه نوباوگان وطن را بعلوم لازمه آشنا نموده سینه سادۀ اطفال وطن را به نور علم و معرفت و علوم و صنایع مهذب و منقش نمایند - لواء تعلیم و تربیت را بدوش علماء محقق و ادباء و فضلاء استوار سازند - اشخاصی که این عهده بزرگ ( حکمه و وظیفه انبیاء و اولیاء بوده ) بدمه خویش گرفته و در مدارس ملی مشغول تعلیم ابناء وطن هستند بایست بغالب علوم لازمه احاطه داشته و باخلاق حسنه موصوف و مهذب بوده باشند - امروزه واجب است از طرف انجمن معارف هیئتی از دانشمندان با هوش و ذکاوت بدارالعلوم های هر جا گسیل شود تا کسب تجربه و تحصیل اطلاع نمایند ، خودرو و طبع زاد و بی تجربه نتیجه حاصل نخواهد شد - طریقه معلمی و هنر استادی مشکل ترین کارها است ، سعادت و شرافت هر قومی به تعلیم و تکمیل دستگاه معارف و تربیت منوط و مربوط است ، داوطلبان با علم ملت راست که حتی الامکان در مدارس دارالانتهای عالم رفته آنچه برای تسهیل تربیت ملت و ابناء وطن مفید است تجربه و تحصیل نمایند - از جمله اشخاصی که امروزه باین طریقه بمدوحه اقدام و برای کسب اطلاع از اوضاع مدارس و خیریت از طریقه تعلیم و

تعلیم بهندستان آمده است جناب آقا شیخ عبدالکریم معلم مدرسه سعادت بوشهر است ، مشارالیه برای کسب اطلاع و دیدن مدارس به بمبئی آمده ، در مدت اقامت در آنجا بعضی مدارس و کالج ها را دیده ، سپس به کلکته آمده ، غالب مدارس و کالج اینجا را با دقت ملاحظه نموده بعضی تکمیل اطلاع به مدرسه العلوم علیگره که امروزه بهترین کالج های معتبر مسلمانان هند است رفته چند روزی در آنجا توقف نمودند و در این مدت ایام مرخصی اوقات خود را تماماً بدیدن مدارس و کتابخانهای عمومی گذرانیده هم خود را پیوسته مصروف بازمایش و کسب معارف مبذول فرمودند ، یقین داریم معلومات مغزی الیه بحال مدرسه و تربیت ابناء نوع سودمند و مفید واقع خواهد شد . . .

اوضاع کمونی خراسان

خدمات مأمورین تازه دولتی که در همین چند روزه وارد مشهد شده اند - جناب معتمدالوزاره رئیس عطیه و امنیت خراسان از روز ورود باین شهر اصلاحاتیرا که در انظار حکومت نظران مجتمع مینمود فرموده اند . من جمله اصناف بحساب این شهر چندین زرع از شوارع و سایر مسلمین را تصب نموده و مخلفات فروشی خود را چیده بودند برخی شوارع را بالکایه تصاحب نموده و درجزو بمستملکات خویش قرار داده بودند . حکم فرمودند تمام را خراب نموده و بعد از این از حد ملک خود تجاوز نمایند . دیروز یک نفر خارجی درمیان شهر بصدای بلند فریاد میکرد که ، دو باب از قراولخانه های دولتی گم شده است هرکس جسته باشد نقد جان حلال مرده کی ، بعد معلوم شد که دو باب قراولخانه را یکی از رجال خراسان تصرف کرده و برای خود عمارت درست نموده است فوراً خراب نمودند . هرروزه از طرف خودشان مأمور برای رسیدگی بآب حمامها و دوشن تصابها و غیر ذالکا که مورث نظم و ترتیب است میفرستند . ده نفر از اشرار شر را که باسم عدالت خواهی امنیت خدا داده را از میان برده بودند شبانه گرفته و رهسپار ( کلات ) شان ساختند . خدمات این مردم مشتت از حد نجه است .

جناب آجودان باشی رئیس کل قشون خراسان نیز که از بدو ورود خدمات شایان و نمایان اداره قشونی فرموده‌اند نیز جوانی مهذب و تحصیل کرده و بمقتضیات امروز از هرکس که بدو هم‌تا سن کهولت مشغول خدمت بدولت بوده است بیشتر مسبوقند. در انقلاب اخیراً متعهد که هرکس بشکر خودش بود جناب مجدالسلطه وزیر مالیه خراسان مقدار هزار دانه فشنگ از ذخیره دولتی برداشته و بخانه خویش برده‌اند. سینه‌الله خان رئیس جمع‌آوری اسلحه برادر آجودان باشی عیناً هزار فشنگ را از ایشان گرفته و چون مقداری از فشنگ کم بود محل مصرف او را از جناب مجدالسلطه سؤال کردند. از جواب خودشان همچون معلوم شد که در موقع شورش مشروطه و استبداد مقداری از فشنگ را برای تلف نمودن از ملت صرف فرموده‌اند. ایکاش که سایر ادارات از قبیل عدلیه و ایالتی و بلدی و تولیت از این دو اداره در می‌یافتند که مأمور دولت و ملت امروز باید کار بکنند، امروز دیگر وقت بازی و عیش و نوش و شکار و خواب نیست.

ایکاش که وزیر اوقاف بزودی معین میشد و به چشم اصلاح‌امور در شرب‌الیهودی عایدات آستانه نظر میکرد و اصلاح می‌نمود.

نایب متولی عرب سالی سی هزار تومان خود و پسرانش از املاک موقوفه آستان قدس برده و صرف تریاک و سایر لهو و لعب می‌نمایند. کوی باقه شهیداً، که از وجودش دیناری کار بینی برای آستانه نیست اگر رسوا کننده آستان قدس و عیب این دستگاه مقدس نباشد. بدین است کسی که تا یکساعت از ظهر گذشته در حمار تریاک باشد از آن منفعتی بملت حاصل نشده جز آنکه ضررش محسوس و بدنامیش را همه کس میداند.

ایکاش که یککفر مصلح به صفحه خراسان بیامد و ببیند که جمیع موقوفات حضرت رضا [ع] را مشق از بیکاران برده و میخورند و همواره ارواح واقفین را در عذاب نگه داشته‌اند.

ایکاش یککفر متنفذ در این بازار سیر می‌نمود و می‌دید که در این دستگاه از متولی گرفته تا کوچکترین اجزاء آستانه همه بیکارند هر کدام

در فکر اینکه بیشتر از پیشتر از موقوفات آستانه را برده و بخورند.

ایکاش که مطبوعات آشنای خانه حضرت را بجزیه و مساکین و ایتم شهر که از گرسنگی جان می‌سپارند میخورانیدند. یککفر ضعیفه عاجزه که در محن مطهر گدائی میکرد گفتم برو باشی خانه حضرتی که هر روزه و هر شب سفره نوازش برای عجزه افتاده و باز است سدجوع بکن، در جواب گفت می‌سال است که در این محل گدائی میکنم و یک مرتبه از شام حضرت نجشیده‌ام، شام و نهار حضرت برای امثال ماها درست نمی‌شود ما تکلیف خودمان را بهتر از تو میدانیم.

ایکاش که مرضای فقیره را می‌بردند در دارالشفای حضرت که سالی مبالغی موقوفه دارد خوب میکردند و برای ریاست آن یک شخص مهربانی را می‌کاشتند که خود ملک‌الموت نبود و مرضای عطای او را ببقایش نمی‌بخشیدند.

ایکاش که خود متولی با اینهمه مابدی که از آستانه دارد یککثر زوار بیکس یا عابربالسیل را از ریزه طعام خود نگهداری کرده و سیر می‌نمود و بخرج حضرت می‌آورد، در خانه این اطلاعات لازم است که غرض کم با این همه عایدات املاک آستانه و با اینکه ابداً بمصرف محل مقرونه نمیرسد آستانه و حضرت را فعلاً مبالغی قروض است نمیدانم این نکته لطیف از کجا است

(توسم آزرده شوی ورنه سخن بهار است) قابل توجه مدیران محترم جراید فارسی

در اغلب مجالس این مسئله مطرح مذاکره می‌باشد که آیا چه سبب دارد که الفاظ و کلماتی که درجراید دیده میشود تا کنون معمول ایران نبوده عوض اینکه کلمات خارجه را منسوخ کنیم و زبان فارسی و بهلوی خود را زنده نمایم که یادگار نژاد ایرانی است حلال بدبختانه می‌بینیم که چندین کلمه دیگر از مرحمت جریده نگاران جزء تلفظ ما شده که باید مدتی زحمت بکشیم آموخته ادا کردنت شویم و مدتی اوقات صرف نکنیم معنی او را از زید و عمر و به برسم، زیرا که این کلمات معمول نبوده که صاحب قاموس و فرهنگ معنی او را نوشته باشند، چون ماها که

﴿ جبل التین ﴾

نگارنده بیفرض مقاله را ما از صمیم قلب حق میدهیم، ولی باید دانست تا وقتیکه مجلس علمی برای توسعه و حفظ لسان نداشته باشیم جلوگیری از استعمال لغات خارجه مشکل بلکه محال است و ما درین موضوع بارها نوشته و باز هم خواهیم نوشت و امید داریم عنقریب وزارت معارف تشکیل مجلس علمی برای حفظ لسان و توسعه و رفع نوائص آن داده ملت را مجبور به پیروی آن نماید - ملت که دارای لغت نیست، دارای اصطلاحات علمی نیست، دارای کلمات فنی نیست، دارای مجلس علمی نیست، محال است که بتواند زبان خود را حفظ یا ترقی بخشد و فعلاً غالب مردم در استعمال الفاظ خارجه تا درجه مجبور شده اند چه ارتباط با احباب پیدا کرده، در مقابل این ارتباط چیزیکه رفع احتیاجات لغوی آنها را بنیاید حاصل نکرده اند، اشاققه در آتی هم درین موضوع منصلاً خواهیم نگاشت، ولی همین قدر میگویم که اگر جمیع لغات عام را به شکافیم همین وضع امروزه زبان فارسی را در آنها خواهیم دید - هرگاه سایر عیوانات ما رفع شود این عیب هم در سایه آن رفع خواهد شد

﴿ اعتراض بر جبل التین ﴾

در نمره ۲۸ جریده شرق بقل کلامی از جناب عالی برخوردار، چون میدامم که قلم و بیان حقایق ترحمان حصرتم - الی را مقصد و مسلك جز خیرخواهی ملت نبوده و نمیباشد مگر ایسکه سهو و اشتباهی رو داده باشد، و گوش حقیقت - گوش باز است که هرکس بسهوی متنبه باید اصفا فرماید، این است که چه دهنم را در خیرخواهی خودم بسوع لازم دیدم که عرض برسام اینست که مرقوم شده است در عاب برد و کلامی خود را انتخاب و کمال سی هم در حسن انتخابات بعمل آورده بوجدان باک و بیفرضی اسلامی ایماں ایران خودم قسم که چنین است و دلیلش را از کلام خود حضرتعالی خواهم آورد

اولاً در طهران چون بدو دوره و متعاقب شورش بود در ازار مردم اهل شورش مرثوب بودند در اهالی طهران هم همان اشخاص که یارتی این قیدل اشخاص از وکلای سابق و غیرهم بودند پیش افتاده و

اشترک در جراید داریم تحصیل لسان فرانسه و انگلیس و روسی و آلمانی و غیره و غیره نکرده فقط با اصطلاحات معموله خود که عجمی و عربی مخلوط است جادی هستیم و عاجزانه استدعا میکنم که اصل ترجمه کلمات جدید را برای ما بنویسید و از نوشتن خود آن که صرف نظر فرمائید، مثلاً کنستیبسون که معنی او را مشروطه نوشته اند خود لفظ مشروطه را بنویسند ( دیپلمات ) یعنی چه؟ اگر معنی نداده چرا استعمال شود، اگر دارد خود معنی را بنویسند ( پارتی ) یعنی چه؟ ( راپورت ) یعنی چه؟ ( پلتیک ) یعنی چه؟ ( رژی ) یعنی چه؟ ( کنترل ) یعنی چه؟ و، و، و

بل از وقتی گمرک و پست در اداره بلجیک آمد جمیع دفاتر و اوراق لازمه این دو اداره بزرگ را فرانسه، انتشار دادند که بدبخت ایرانی ملتقت نباشد چه میکند و یک مقصود بزرگ آنها رواج لسان خود بود و الا چه معنی دارد که شخص خارجه که در داخله مملکتی مستخدم میشود و رای معمول ولایت رفتار کند، حق اوزان ما را از روی گرام و کیلو، زوع ما را از روی سانتیم قرار دادند که این بچاره های بدبخت ایرانی که هنوز نمیدانند یکمن خودشان چند مقال است و مقال چند خود است باید کیلوگرام حساب کنند که اگر یک کیلو سهو شود بچاره مقصر و از مواجب یک ماهه محروم،

ای ایرانی خواب، ای بچاره بی مدرک، جمیع اینها ازدیاد نفوذ و کشت برای حصاد است که وقتی مسلط شدند زحمت اجراء الفاظ و اوزان و غیره نداشته باشند از حالا در میان ماها جاری ساخته و لابد کرده اند ما را که بهمان کلمه خودشان تلفظ کنیم، مثلاً ( دلی دری آدر ) یکی از اوراق کرکی است که گویا مقصود محتوی بار باشد، حالا ملاحظه کنید تحصیل تاجر و مستخدمین او چقدر باید زحمت بکشند این کلمه را یاد بگیرند که برای صدسال بعد از این خارجه ما آسان باشد، بهرحال امیدواریم یعنی استدعا میکنیم اول خود جریده نگاران الفاظ خارجه را موقوف و منسوخ کرده بعد وادارند جواهر دولتی را که جمیع اوراق و دفاتر لازمه را بزبان مملکتی طبع و توزیع نمایند



دیگران را با تهدید و دست، بازی عقب نموده انتخاب نمودند

نایب من اشخاص با آنها، وسایل از خود شان و از وزیر داخله که تازه وارد طهران شده بود و اطلاع نداشت مخبرات بولایات صادر نموده معرفی از اشخاص بارت خود نمودند و از ولایات هم بتوهم اینکه خود دخل و تصرف نمایند بی اینکه انتخاب در طبق نظامنامه باشد بوکات آنها تلگراف نمودند الا ماشاء و ندره بعد ملتفت شده بعضی حرفها گفته و میگویند و روزنامهها خاصه بحاجت و مجلس با نهایت پرده پوشی شاهد این امر است

ناثا خود حضرتعالی توصیه بمسلك مسالمت فرموده و خرابی کار دوره اول را از انحراف این مسلك میدانند، اکنون هم میفرمایند که باید این مسلك را بگیرند و از او منحرف نشوند وگرنه همان آتش است و همان کاسه. و حال آنکه وکلای این دوره تا بحال ادلب همان وکلای سابق آشوب خواه و مردم راه نبر و امثال ایشانند

رابعا میفرمایند که دو تیره که باعث خرابی مجلس اول شد فرمایش صحیح است ولی عطف نظر باید بعلمت دو تیره کرد که چگونه از وکلای این دوره زایل میشود و حال آنکه همان باعث اکنون هم موجود است توضیح این آن است که قریب هفت عشر از وکلای سابق بی مسلك و در درجه صفر بودند و دو عشر کسان بودند که حرفهای آشوب زدند و مردمرها خوش آیند شده در میان وکلاء انگشت نما شدند، لذت ترقی و ترقی را چشیدند، مرتبه مرتبه بحرف خود ترقی دادند وزیر تراش و وکیل تراش شدند در این مقام هم نه ایستاده حرف را مثل قرقم، کبک دری نموده هوای ریاست جمهور و تقلد جمیع امور بمرشان زد و يك عشر دیگر از وکلاء را که مال امور را بی برده با مسالمت میخواستند جلوگیری از دستبندیهای داخله و بهاء مداخله اجاب نمایند با انواع تهمت و بارت باری کنار نمودند و باعث شدند بشدن آنچه که شده و دنباله اش کوتاه نکرده و خدا میداند تا کجا تمت خواهد شد

خاصاً اکنون هم این خیالات در سر میخواستند نایب السلطه را اسکشر دست خود قرار دادند

بد گفتن را وسیله ترقی خود نمایند و با این تکل نه مملکت خواهد شد نه مشروطه امروز و فردا است که از جهت حرفهای روزنامه نویسان که اینها بارتی خود قرار داده اند نایب السلطه و سینه دار و وزیر داخله بعد از آن همه مجاهدات بگریزند چنانچه کرد شان هم پیدا نشود

سادسا با نهایت ضراحت مسالمت مینایم که در دوره سابقه علت چه بود که حضرتعالی نوبه قم را تیز فرموده عیب وکلاء را آنچه بود و آنچه نبود باشباه و دسایس دیگران مرقوم فرموده و بیل آشوبیان و ارباب غرض مستخدمین خارج و جازین و جالبین زر و سیم داخله نوشته و منتشر نموده بی چاره مسالمت خواهان واقع بتقتضیات وقت را از کارست فرمودید و بعضی را با اسم بردن از کار عقب نمودید، ولی اکنون که میخواهید مردمرها آسمه و منتبه فرمایید از مستخدمین اجانب و جذبین زر و سیم داخله چنان با برده مذاکره میفرمایید که هرکس میتواند برطبق خود رای عمل نماید برده دری خوب نیست ولی مردم چنان غافل و در خواب هستند که از چنین حرف با برده اشتباهی پیدا نمایند و استادان و عیاران هم چنان به تدبیرات و دسایس خود مغرور هستند که با این حرفهای مستور خفی به ابروی خود بیاورند

سابعا دعوت و راه بردن مردم که میفرمایند تصور فرمایید که چه قبیل اشخاص را دعوت میفرمائید و کدام قبیل اشخاص از وخامت عاقبت عدم مسالمت که هرچ مرج داخله و مداخله اجاب است میترسند اشخاصیکه، چیز یا یکی از آنها را دارند با حسن وطن خواهی این فرمایش حضرتعالی را بسمع قبول گوش داده و آویزه گوش هوش مینمایند — اول تدین — دوم شرف — سیم ثروت — که هر يك با مختصر علم و ادراکی باعث حسن وطن پرستی میشوند

کسی که هیچ ندارد خراب مملکتی از او چه کاسته سازد که عاقبت ترسد ولی از بدبختی بسکه مردم جاهل را بیدار غافل نموده اند مشروطه را عبارت از برانداختن بنیان ارباب تدین و شرف و ثروت در دلبا جی گیر نموده اند و از این قبیل اشخاص هر وقت که میخواهند خیرخواهی از وطن نموده تهمت ها میزنند و افتراهای پندگ را

گرفته اند که از تدین و شرف و ثروت بهره ندارند  
چیز مقداری که از راههای نامشروع از اجانب باجیله  
و از داخله یا غاشی و بدگوئی و رشوه جلب و جذب  
می نمایند اگر خطری به مملکت از طرف استبداد آید  
چنانچه دیدیم شبیه بسر گذاشته یکی از سفارتخانه ها  
پناهنده شده از این هم نگر و مباحث می نمایند و اگر  
خطری از خارجه وارد آید بعود بالله باستخدام اولیه  
یا مزدوری سریشان خلی نمیدانند و اگر هیچ يك هم  
نباشد مستخدم پیش آنها بودن را افتخار دانسته  
فورا حاضر خدمت میشوند، ولی به عکس آنهایند  
کسانی که از تدین و شرف و ثروت مملکت بهره دارند  
و هر يك از اینها باعث این است که همیشه از خطر  
مملکت بدست اجانب محترز و خایف بوده بلکه مخاطره  
خود را به پناهنده کی اجانب مقدم می نمایند و حکایت این  
دو فرقه همان حکایت ربهان باز و مقلد او در  
مابین است، که مقلد میگوید اگر تو از ربهان  
افتادی بزمن خواهی افتاد و سر و گردنت میشکند  
و اگر من اقدام بکجا، تا نا خرابی کار دوره  
اول مشروطه را بنفاق بعضی وکلای دوره سابق  
مستند دانسته و در این دوره تأکید و توصیه  
باحتراز از نفاق فرموده اند، اشهد بالله که در دوره  
سابقه منشاء نفاق و مایه خرابی مجلس وکلای بی علمی  
که درجه صفر داشتند نبودند و هکذا وکلای با مسلک  
مسالت خواه نبودند بلکه وکلای آشوب طلب خود  
خواه سکه هوای نقد ریاست جمهوری داشتند با  
پارتیهای خود که از انجمنها و سایرین درست کرده  
بودند شدند و اگر با مسلک مسالت خواهان  
وقتار میشد و بهانه ها بدست محمد علی و دربار ایشان  
نمیدادند کار مجلس هم پیشرفت نمیشود مشروطه هم  
یا برجا میگردد در ضمن ده سالی یا کمتر تمام  
قواعد مشروطه بحری میگرددین آنکه صد هزار  
خوس و چهار میلیارد مال مردم تلف شود  
ملاحظه فرمائید اگر با مسالت مقاصد حاصل  
میشد بهتر بود یا با این ترتیبی سکه پیش آمد و  
خداوند تا درجه نگاهداری از شرش فرموده  
اگر تا ده سال هیچ طایفی پیش نیاید و ابراش  
رو به ترقی گذارد همین تا ده سال بحالت یکسال نیم  
اول پیش از این برگردد، جناب ناصر الملک بعد از  
تسریف آوردن فرموده اند وکلای مملکت ما دانا

بتوانین خاوجه را امروزه لازم ندارد، و اموری  
که در دوپست سال درفرانسه به تدریج پیش رفته آنی  
به مملکت ما وارد نمیشود و وکلای که این مسلک  
را دارند بکار نمی آیند، امروز باید وکلای ما از  
مستخدمین خیر مملکت مثل فلان فلان کس  
(نمیخواهم اسم ببرم) باید باشد، مطلب بسیار میترسم  
طول مایه ملال حضرتعالی شود، مستدعیم عریضه را  
بین یا خلاصه هر نحو صلاح دانید درج فرمائید  
و از مردم با وجدان و انصاف بخواهید که در  
حقیقت اینطالب غور نموده صحت و فسادش را  
بخدمت معروض دارند

### ایضاً

نگارنده موصوف میگرد

( هر چه میخواهم که سوز سینه را بنهان کنم )  
( سینه میگوید که من تنگ آمدم فریاد کن )  
باید يك نکته را هم بیان نمایم منشاء اختلاف  
گاهی اختلاف در عقاید مذهبی میشود صوفی یا عارف  
شیخی یا متشرع اصولی یا اخباری بودن سبب اختلاف  
میگردد رفته رفته بنفاق میکشد در مجلس اول  
ابداً اسمی ازین قبیلها نبود  
دوم اختلاف در مسلک سیاسی سکه امریست  
طبیعی ناشی از نقل و فکر در مجاری امور و  
ترب عواقب این فتره هم باعث نفاق نمیشود مگر  
وقتی که منسوب بفرض و خود خواهی باشد زیرا که  
دو طرف اختلاف در مسلک سیاسی اگر بیغرضانه  
و بی خود نمائی در مجلس مقدس تبادل افکار نمایند  
و تعارض ادله را امان کنند غالباً حقیقت یکطرف  
معلوم طرف دیگر میشود و یا مزاج نائی هر دو  
طرف بدایمی نمایند، و اگر هیچ يك نشد و  
اکثریت آراء با طرفی شد صاحب رای مغلوب هم  
ناچار باید نماید و تک رای غالب نماید که صلاح  
و ارای مملکت حاصل شود، نه اینکه صاحب رای  
مغلوب پارتی نه بلکه هوا خواه شخصی و دسته  
جمع نموده بوسایل غیر مشروع بصدد اختلال برآمده  
مملکتی را حیران و بر آشوب مینماید

سیم از منتهای خلاف که بی شبهه اگر در  
یکطرف یا هر دو طرف باشد مایه نفاق میگردد  
خود پسندی و خود خواهی است و چاره این امر  
جز با انشاء ملت و تحدید حدود نمیشود و این



طاق خود خواهانه مانع از پیشرفت امر و آتیه ملت و تحدید حدود است . درین دوره هم در بعضی از وکلای سابق خود خواه و دسته خود که با دسایس و اشتباه داخل نموده اند همین عیب هست ولی بحمدالله تعالی اکثر وکلا و مجامعین وزرا و سایر مجامعین و اغلب مردم آنها را دانسته و بجای خود نشانده اند اگر باز طاقی نموده برای دسته بندی حرفهای آشوبی زنده باقتضای مجلس بیرون شان می نمایند و اگر ( صم بکم ) بنشینند باز بر همه حالشان معلوم میگردد

گم کردن سفید مهر اگر چه تا درجه معلوم کرده ولی ارباب جراید برای یارتی بودن آنها هیچ چیز ننوشتند ، حضرتعالی هم تا بحال ندانسته ایم که در جریده محترمه اشاره باین امر فرموده باشید بلی از تبریز ابضاح خواسته اند جواب داده اند که ما بولایات از جی با تلگراف معرفی نموده بودیم باز هم بعضی ولایات میخواستیم معرفی بنویسیم سه نفر کاندیدی را مهر کردیم که یکی پیرد در تلگرافخانه عین مخبره سایر ولایات را بنویسد درین بن سفید مهر گم شد

از تبریز ایراد کرده اند اولاً بشا چه دخل داشت بهمه جاها مخبره معرفی برای وکلا نماید ثانیاً تلگراف معرفی بولایات عین هم بودن چه لزومی داشت ، ثالثاً اصرار بعین بودن چنین مطلبی بر فرض صدق خلی از چیزی نیست ، رابعاً چرا وقتیکه اعلان بکم شدن سفید مهرها در روزنامه ها نمودید چرا این کیفیت را ننوشتید

علاوه بر اینها بشیراز مخبره نموده اند که فلان رئیس انجمن آذربایجانرا انتخاب نماید و آن فلان از اجزای ریسه انجمن آذربایجان طهران بوده بچاره شیرازی ها تو هم نموده اند که مراد رئیس انجمن تبریز در دوره انقلابت بعد مطلب را فهمیده پروتست کرده اند ، اینجا معانی هم هست که سفیر انگلیس ایراد مینمود که انتخاب آذربایجان درست نیست ، زیرا که تعرفه تبریز برای انتخاب مابین ۲۰۰۰ و ۳۰۰۰ شد . و رشت از ده هزار گذشته در اینجا سفید مهر گم و سفیر ساکت شد همین اعمال دوره اولیه را خراب نمود و بچاره مسالت خواهانرا متمم ساخت علاوه بر یک

تبعی بسته شد ، بنده نمی گویم و مسالت خواهان وکلای آت دوره نیز مستعد نبودند که با محمدعلی میشد راه رفت که از هوای استبداد بیفتند و همراه مجلس شده فکر صلاح مملکت نماید ، من یقین دارم که محمدعلی را فطرت و طبیعت با درستی ماینت گای داشت لکن وکلا را لازم بود که رفتاری نمایند که بهانه بدست او نیاید و سفر تصدیق نکند که جی از وکلا و مردم از مشروطه خواهی گذشته انارشیست و آشوب طلب شده اند

و درین ضمن جی از لشکریات و رؤسای نظام را با خود متحد نمایند و اگر چنین میکردند یا محمد علی نمیتوانست اقدامی نماید و برای جین و پست فطرتی که داشت مقهور میباید و یا اینکه اگر اقدامی مینمود و خود را زیر پرده مظلومیت تدبیریه پنهان می کرد عزت و گرقین و حبس یا تبعید کردتش خیل آسان میشد ، ولی اقدامات آشوب خواهان وکلا بهانه را بدست او داده تمامی قشون و اکثر مردم را با او همراه کرد بانصد ملیوت خسارت مالی و صد هزار تلف نفوس باوران وارد آمد

و اگر خیانت محمدعلی و دانات دوباریان و سفاقتشان همه تیکرد و کی قوه عقابیه میداشتند اقلآ ده سال میتوانستند که آت استبداد را نگاه دارند ، مثلاً اگر اتابک که اساس این فتنه را ریخته بود گور بگور نبود و بجای امیر بهادر خن میشد مدتی لازم بود تا استمداد مملکت دوباره بمقامی برآید که مشروطه را بگیرند

کریم خان اخطاری در روزنامه نمود ، وکلای که پناهنده سئرا بودند رد استیذان و تحت حایه اجاب بودن خود را نمایند تا بحال که بگوش احدی زفته است علی الهدانی

حبل المتین

نگارنده معترض ما مطالبی را که نگاشته بالاصحاح صحیح است و هرگاه اغراض شخصی نداشته و درود نوعی اورا باین نگارشات وا داشته قابل همه گونه تمجید است ولی اعتراض که با نموده بر خود ایشان هم وارد است که چرا پانزده و کتیبه جعفری زده با این همه با یک چینه ایشان همراهم بنشینیم

جود که ارباب ثروت استقلال مملکت را خواستگار  
اند و بی چیزان ملت از برپادی آن پروا ندارند یعنی  
این کلبه بی بیج وجه قابل تصدیق نمیداشد و تاریخ  
انقلابات ملل هم این جمله را تصدیق نمی نماید  
اگر ادعا نباشد آنچه معترض جبل الملقین نگاشته  
جا فهمیده غرضش را هم دانستیم ولی شاید آنچه  
جبل الملقین نگاشته ایشان درست ملتت نشده اند جبل الملقین  
وقت شناس است، وبدون مدافعه و ملاحظه بموقع خود  
همه چیز را مینویسد فقط مراعات موقع و ملاحظه  
علاج افسد را بفلسه میکند یقین دارم آنچه را  
جبل الملقین با آن اطلاعات واسه میداند و در پیش  
آمد خیر ملی مراعات میکند معترض محترم نمی داند  
و شاید ملتت مراعات آن نکات هم نباشد و آن  
روز هم دور نیست که موقع کشم حقایق برسد  
جبل الملقین در نگارشات خود هماره بطور عموم  
محبت میدارد نه خصوص، مگر آن خواصی که جدا  
وجود شان نافع یا مضر بحال نوع شناخته شود، و  
جزئیات را هم اهم برقع یا ضرر قابل بحث نمی  
پندارد مگر آنکه منجر بمنافع یا مضار نوعی شود  
هرگاه معترض اندکی بتواریخ انقلابات ملل رجوع  
نماید خواهد دانست که کلبه سعادت های ملیه از برکت  
مردمان بی چیز کلام شده، و مانع کلی پیشرفت مقاصد  
علی هم همان مردمان صاحب ثروت متفند بوده اند،  
چه مسلماً هر انسان بلکه حیوان میتواند مضار و منافع  
حسی خود را ادراک نماید و باجماع سیاسیون  
مشروطیت یا جمهوریت که نتیجه اش تساوی حقوق  
ملیه و عدالت اسلامی است بدو نافع تر است  
بحال طبقه دانیه ملت نسبت بطبقات عالیه یا متوسطه  
ازین است که هماره منشأ اثر و سعادات ملی در  
سایه مشروطیت و جمهوریت همان اشخاص بی چیز  
بی حیثیت ظامری شده اند و مسلم است در ایرانهم  
همین طبقه پیشرفت کرده و خواهد کرد، از اشخاص  
طبقه عالی (مگر باغراض مخصوص مانند همراهی  
ظل السلطان دروقعه توبخانه) درین مواد که سعادات  
علیه را در بردارد متوقع نتوان بود  
از بیان این جمله هم صرف نظر نمیتوانیم نمود که  
با وجود محمدعلی و آنچه منتقدین از طبقه عالی  
مشروطیت بلکه استقلال ایران محال بود، و اگر  
چندین دیگر مجلس پانزدهم وضع پیشرفت می نمود

نه مشروطیت می ماند نه استقلال و آن قوه الکتریکی  
که امروزه در کون هر ایرانی نمودار است بانواع  
دانا یان پیدا نمی شد، و بدون آن قوه هیچ ملت  
بمدارج عالیه نرسیده و ما این پیش آمد را بحال  
ایران پیش از آنچه تصور شود نافع میدانیم و برای  
ازدیاد این قوه برقی که روح استقلال ملی گفته  
می شود هنوز انقلاباتی چند در پیش و لازم داریم  
شاید این نکته را هر خواسته نداند و هر اعتراض  
کتنده فهمد

در تاریخ با گذشت ترین مردم از ابتدای عالم  
تا کنون کسانی بشمار بوده اند که از جان عزیز  
گذشته اند، از مال و خانه و زندگی و عقار  
این است که کسانی که در راه نوع از جان گذشته  
اند خیلی محترم تر اند از کسانی که از مال صرف نظر  
کرده معترض درست غور نماید که کدام اشخاص  
در طریق مشروطیت ایران از جان گذشته اگر  
احیاناً بیک جهت جان آنها محفوظ مانده حقوقشان  
بمجرم بی چیزی باطل نتواند شد

معترض ما عیب برکسانی میگیرد که درسارنخانه  
ها بناهنده شده اند، و حال اینکه (این بحث بر  
ثلاثة غساله میرود) چه از قبل مشروطیت تا کنون  
تجیع طبقات ایران از عالی و دانی و متوسط اعم بر  
مستفید یا مشروطه خواه از مردمان سالم یا شورشیان  
عقبه سفارنخانه ما را بوسیده اند، اگر آملوم  
وقابل کار نباشند باید صرف نظر از قاطبه ایرانیان  
بشود چون از قرار معلوم این رشته سر دراز  
دارد ما نیز باچار درین موضوع ازین و بعد سر  
خود را بدرد خواهیم آورد و برده از روی حقایق  
امور برخوایم داشت

#### مجلات

اولاً اخبار اراتیکه در این دوره درج می شود  
بینه شیء است مطالبش به نامه مکذبه اوقیانوس چنانچه  
بعضی را که حقیر از مطالبش اطلاع دارم کذب است  
چون سابق هر کسی خود را صورت کار نموده از  
طرف دولت و ملت شغلی بعهده او رجوع می شود  
پس از یک دو ماه که گذشت مستبدین و مذبذبین آن  
محل محض خود غرضی و محکمی کار خودشان  
شش ورق کاغذ برداشته رضایت نامه نوشته خدمت  
حضرت مستطاب بندگان اجل میبرند دو صورتیکه

دستهای کلید را از جعبه در آورد. دو روی کاغذ را خوب ممهور نموده و میگویند اینها را از طرف هر طبقه خدمت وزارت داخله باید فرستاد که این شخص از برای اهالی این محل پدر است و برادر، خودش را طینتاً نمیدانم آدمست، حیوان است، یا ملائکه که تمام ماها وجود ایشان را مقتم داشته کمال رضایت را از این شخص داریم. ولی يك مطلب دیگر هم هست اگر بمر جنابان مستطابان هم بخورد خیالی خوب است و آن با خود جناب بندگان عالی است و ایشان در حق شما هیچوجه مصافحه نخواهند نمود چنانچه یکدوی دیا را بزار آخرت نمیدهند و آنهم امروز تمام اینها را محمد علی فرانس و چند نفر دیگر به بعض دکاکین و خدمت آقایان برده تا زمان حرکت پس خواهد رسید. پس خوب است يك چیزی هم به اداره برخی جرائد بنویسیم بدون بول چوبکه دوست اند من ایتم نمیکند بحمدالله از بدل توجه. جناب بندگان این چند آبادی امن و منظم برخ اجناس رو به نزل و فراوان طارق و شوارع يك چندی بواسطه گرما مفشوش بود ولی بحمدالله اکنون بواسطه برودت نریب امنیت را دارد، و صدا از احدی در نیاید چنانچه اشخاصیکه طرف تعدی واقع شود اگر هم نخواهند از محلات فرار نمایند چند نفر مأمور آنها را از بن راه بصدقات مراجعت میدهند پس از چندی حدی و تهدید التزام از او گرفته می شود که در مدت عمرش نه باصفهان برود و نه بطران چنانچه مکاریها و مسافرن سنه ماضیه و آقا ابوالفضل سنه حالیه.

از وقایع اتفاق در دوم ذیحجه شخص محمد تقی نام ما چند گوسنند از کوچ باعی عبور میکنند بواسطه خراب دیوار چند گوسنند داخل باغ می شود، هابوقت شلاحه فرانس که بصورت کنزاد وارد محلات شده بود و اکنون دارای باغ و خانه گل و کارخانه قالی باقی است باو رسیده چند دشنام باو داده و با چاقو باو حمله میکنند از قضا چاقو به یکی از دنده های محمد تقی خورده استخوان مایع از دریدن شکمش میشود و همان ساعت شلاحه بن فرار می کنند شخص مجروح را هم می برند بخانه با هزار فلاکت

در دستگیری و مجازاتش بطوری رسیدگی شده است که اگر شخص مجروح ببرد یا نبرد شلاحه بن دستگیر شود یا نشود، اکنون که دو سه روز است دارای خریدی نیست جز باغ و خانه آنهم در تصرف رفتن است مدیر اخبارات هم او را بدون تحقیق کذب و صدق یا بزور پول درج میکند ولی نمیدانند نزد اشخاصیکه این مطالب را صحیح اطلاع دارند چقدر حثک و حثیف می شود و روزنامه مکتوبه می شود.

هر حال در اصل مطلب و مقصود پردازیم - از تعدیات که بخود ايجاب در محلات رسیده است و پنج ماه است تعلم میسکنم جواب مساعدی تا کنون نرسیده است از ابرازش تردید پیدا شد چنانچه خود شما وقایع مکار صحیح دارید اطلاع خواهید یافت و ترتیب و نظایب معمولی اداره را درست نمیدانم و الا هر هفته تمام اتفاقات را بطور صحت می نوشتم و اکنون هم اگر استیذان حاصل شود در هر هفته اطاعت است در صورتیکه تصحیح عبارات هم بمرده خود اداره باشد، در هر صورت همین قدر عرض میکنم صدمت و تعدیات داخلی طور است که مفرز دوك مطالب قوانین امروزیکه مثلاً سرباز از چه محلی باید گرفت یا يك فوج چند دسته است و هر دسته چند سرجوقه دارد نمیکند، ولی چون معاف داشتن حکام قدیم يك چندی از حکومت و مؤدیه اداره هتیش را که مطالعه میکنند جگرهای داغ دیده و قلب خون و تمام اوقات با آه و ناله قرین میگردند شب و روز شارا نمیدانند، بهر حال اول باید داخله را درست کرد که يك شهر آباد به از چند ده خرابه است، خدا شاهد است تا این آه و ناله ضعا که از دست ظالمان داخلی از جگر کشید، می شود و کسی بفریادشان نمیرسد دفع نشود و رفع اشتباه کاری و ملاحظه را نکنند هیچوجه کاریش نمی رود و چقدر عیار و طرار اند این مستبدین که در هر نقطه دست دارند چنانچه يك شخص مظلوم بچاره سه ماه است عریضه کرده هنوز جوابش نیامده ولی حکم فلان که شش طغرا رضایت نامه میفرستند در دو هفته جواب هر شش طغرا میاید و همین مطالب الخفاف است اگر بواسطه در میان ایشان، هر چه

پنجاه سابق هم بودند و حالا هم هستند آنوقت هم نام ملاحظه و مشبه کاری بود و برض نمی رسیدند حالا هم نمی رسند آنوقت هم احقاق حق نمی شد حالا هم نمی شود پس به کلاه یا باخ و نیم تنه و بپ و قطار نشنگ و خلق محمد علی و رفتن به سفارت و فرنگستان کارها درست نمی شود، و نمیتوان دل خوش کرد، لهذا مجدد عرض میکنم از کار معاف داشتن حکام و مباشرین و اربابان سابق چقدر خوب و شایسته است که نمیدانید تماماً دست بهم داده که آتش افروزی کنند جا کر فدائی وطن يك سال است هر قسم صدمه و تعدی و خسارت که فرض فرمائید دیدم مأمور دولت هم هشتم دو ماه قبل از مروطه جرئت ابراز نداشتم و اکنون هم هر چه تظلم میکنم کسی بفریادم نمی رسد سهل است مجنون هم میخوانند لهذا اگر اجازه فرمائید اطلاع دهند در هر جا باشم محض خدمت ملت با کمال امتنان و افتخار و قایمیکه بر اهالی بیچاره آت عمل میکنند هر هفته نوشته تقدیم نمایم

ارباب قلم ملاحظه فرمایند

(نگارنده موقی از خراسان مینویسد)

حق را باید گفت و حقیقت را نباید نهفت اغلب از کلمات مستند که با وجود تکرار بسیار بجزه شده و معنی موضوعی خود را نمیدهد، ولی این جمله خدا پسندانه با اندازه سر تا پا معنی است که تکرار موجب فهم معنی آت شده و شیرین ترش می نماید و چون بین حقیقت نیز در آن نگاریم می بینیم مذهب و مشرب تمام میبوی، حکماء، عقلاء ادباء، ارباب قلم، و نظایرین معروف کرده نیز همین مشاور است که حق را باید گفت و حقیقت را نباید نهفت یکی از فضایل ایران میگوید که اگر ما باشد کسی چیزی بگوید یا بنویسد باید حق بگوید و الا آن شخص در هر کله که تقریر و تحریر می نماید خبث فطرت خویش را ظاهر میسازد معلوم است هر انسانی من حیث انه انسان در وقت نطق در محافل و مجالس هر آن چیزیکه مایه عزت نفس، شرف ذات، و عفت عمل است باید بدون خویش باید بگوید حال اگر در آن مقالات دو سه نفر مفروض که بجز خود را در شرح دیگران میخواهند پیدا شد و

اعتراض بر آن نمود نباید اعتراضات او را سند خوشی قرار داد، بدیهی است هر آنچیز که گفته میشود در تمام اذهان محل قبول نداشته و همه ذائقه ها بر آن آشنا نیست

برای ما قال احوالات انبیاء (ع) بهترین دلیل است که نصایح و تکالیف آنان را که نجات آخرت و اصول زندگانی و تمدن بود نه اینکه قبول نمی کردند بلکه اسناد مطروحه برای آنان صادر می نمودند یکی را طرار، دیگری را منقلب و بی اصف، سومی را ساحر می گفتند، و ما هو الا جنون را در حق پیغمبر «ص» ما خواندند،

باید دانست که سعادت هر ملت و شرافت هر امتی در حوزه تسخیر و قدرت قلم نویسندگان آن قوم است، هر قومی که قانی شدند فقط برای این بود که اهل قلم نداشتند، یا دارای اهل قلم بودند تکالیف صادره از آنان را قبول نکردند،

تلواً باید دانست که ارباب قلم باید متصف بجهت صفت باشند، ملی اهل قلم باید دارای قول این، و بی عرض، و حلیم، و محترز از مذیات باشد، یعنی کسیکه مستعیناً بالله سعادت يك ملت را در بجهت قدرت قلم میگیرد باید سحر را که مقامی بلند و پایگاهی ارجمند دارد فحش و لغو و شتم و هر آنچیزیکه ناشی از غضب و غرض است نیالوده و آبروی قلم را بریزد این تعریف اهل قلم هر قدر که فرقه از اهل قلم را مزده شرف و اعتبار میدهد دو چندان حرمان تحویل آمايکه خود را اهل قلم دانسته و دارای صفات مذکوره نیستند می نماید

اگر يك نفر که در ظاهر اهل قلم است و نبض اخلاق ملت را در دست ندارد نکته را که راجع باصلاح یکی از امور آن ملت باشد چون ادهان آشنای بر آت حرفها نیست بگوید و حتی را برخلاف خود برخیزد تا بجاییکه می و اعدامش نمایند مرتکبین را نباید آثم خواند بلکه گناه بعده همین مقول بیدرك است که خود را بواسطه عدم صبر و حلم، و وجود غضب و غرض بدست جلا د سپرد، این حرف ادکی قابل مراجعه و توضیح است چه ما گفتیم ضرر بودن و سوء نتیجه جزه لا یشنگ ارباب قلم و نا امنی تیول ایشان است از شواهد متعدده برای توضیح باز حالات انبیاء

عظام و اختلاف گرام خود را تذکره میسازیم و اگر چیزی نبود وجود انبیاء متعدد لازم نبود بلکه میبایستی يك نفر بغمیر تمام مطالب حال و استقبال هر چه بود بمردم القا می نمود، ولی فقط بملاحظه کل يوم هو فی شان باندازه فهم معاصرین خود ایشان را تربیت نمودند، و چون مطالب را خیلی میافزاییم که موجز و مختصر باشد تصرف و تفکر در این باب را بعد از قارئین میسریم تا مقصود از دست نرود، آنچه گفته شد مقدمان بود برای اینکه حق را باید گفت و حقیقت را نباید نهفت.

قبل از تبادر بذكر معنی و پیش از اشعار مقصود جبارت میورزد که نظر به محدود بودن قلم بنده اگر نتواند تمام مشهورات خویش را کلاً برشته تحریر آورده یا آنکه قلم به تحریر آن اجازه نفرماید تقدیرات کلام را خود ملتذت باشند خواهید فرمود ذکر مطالب به کنایه چرا؟ و معماگنتر را سب چیست؟ در جواب این سؤال مقدر عرض می نماید که از ترس و بیم مستبدین مشروطه خواه و هیاکل مریه استبداد مطالب گفتنی ناگفته مانده و از حرکات غیر مشروطه شان خون دردل موشمندان و ارباب افلام است با این وصف لازم است که مطالب بایجاز گفته شود و لا تلقوا بایدکم الی التهلكة از نصوص مقدسه قرآن است

حقیقتاً واقعه تأسف انگیز

جناب معین الغریب که از علماء این شهر اند لیلۃ ساح ماه صیام را بعنوان رؤیت هلال از مشهد حرکت نموده و در قریه که شریف آباد نام دارد یکروز توقف مینماید بعد از یکروز به دو نفر از همراهان خود میگوید شنیده ام در این حوالی وقراء چند نفر از مذهب اسمعیلیه بهم رسیده باید عنان عزیمت وطنی طریقت را بد آنصوب معمول داشت و در هدایت آنان همت گماشت، همراهان تصویب نموده به قریه (دررود) که از قراء نیشاپور است میروند، معین الغریب در قریه (دررود) در خانه حاجی ملا باقر که یکی از علماء (دررود) است سکنا می نماید فوراً امر بحضور آنها می کند بعد از حضور باب مجادات و مشاجرت را بروی ایشان باز میدارد آن متهمین که از لباس علم عاری و از کسوت دانان پیراهنی نداشتند از غلظت مباحثه

بخود پیچیده و از تمام محبت های او چیزی در نمی یافتند ولی در فتنه و خائمه محبت معین الغریب می گفتند که ما مسلمان و خادم شریعت محمدیم، معین الغریب میگوید ایشانرا که چهار نفر بودند بچوب بندند و آفتاب تازیانه زند تا اقرار بکفر خویش نمایند، دو نفر از آنان را بقدری میزند که چندین مرتبه پای در چوب تنش نموده و بهوش میشوند و بعد از خوردن چوب زیاد سرش غیبی بگوش آنان میخورد که مقصود اطرابیان و جوی متقابله است اگر دادید میرهید و الا می برید مقدار بولی وعده داده و خوب خود را میخورند، دو نفر دیگرشان که بول نداشتند یا آنکه بول داشتند مردن را اصلح و اسلم از دادن چنین وجبی غیر مشروع دانستند از دادن پول ابا و ورزیده معین الغریب کاعذی محکمان نیشاپور سالار هایون مینویسد که در این صفحه دو نفر زندقه از زنادقه بهم رسیده بحکم شرع باید خون ایشان را ریخت و خاک را بر فرق عباراتش ریخت، یک نفر میر غضب بدین صوب عازم دار. در جواب نوشت، اگر دوره دوره وحشت و بربریت بود چه مضایقت بود ولی چون آفتاب مصلحت طالع و شمس عدالت و مساوات اسلامی در مملکت ایران ساطع است شنیدن و بجا آوردن چنین امر منکر بی اجازه پارلمان از من نشاید.

معین الغریب بعد از خواندن لایحه سالار هایون میگوید من خود این واجب کفایرا بجا میآورم حاجی ملا باقر که میزبان بوده است معین الغریب میگوید خوش است در رجوع این امر به من متنی گذاری بدان دو نفر را که هم در آن ساعت عدالت را به قیمت کیمیا مشتری بودند فروشنده نبود در معبر عام بازو هاشان را بسته و روی هم می نشاند و خون آن دو نفر را بخاک میریزند. این خبر وحشتناک به اسمعیلیان مقیم هندوستان میرسد و چون قاطبه اسمعیلیان در تحت حفظ دولت انگلیس است از طرف پارلمان انگلیس سخت گیری در دستگیری مرتکب و قاتل به دولت ایران میشود، از طرف سردار اسعد وزیر داخله حکم شد که حاجی ملا باقر را تحت الحفظ بطهران ببرند و او را حرکت داده و بردند، معین الغریب هم که بعد از ارتکاب این عمل به مشهد مراجعت

نموده بود حکم به حرکتش شد که بطهران برود  
 معین‌الغریب تنگرای مبنی بر عذر تقصیر و استدعای  
 وساطت به آیة‌الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی  
 عرضه میدارد آیة‌الله در جواب میفرماید که وساطت  
 من در مقابل قوابل بیجا و بی محل است، بالخره  
 بطوری که مقرر شده بود معین‌الغریب بطرف طهران  
 رهسپار گردید

چون دلم روان نداد که اینخبر را درست تشریح  
 نجای باختصار گوشیدم، اخبارات تازه مشهد ایستاده  
 حأمورین تازه ادارات دولتی چند روز قبل وارد  
 بارض اقدس شدند، الحاق مردمان بیدار و کار  
 داند مخصوصاً معتمد اوزاره رئیس اداره بطمیه و  
 امنیه خراسان و طهیرالسلطان محل طهیرالدوله معاون  
 ایالت کبری و دیگر یار محمدخان آجودانباشی رئیس  
 قشون و آصف‌الملك رئیس عدلیه و علاءالسلطان  
 رئیس کابینه ایالتی. کارها تیرا که چهار ماه وقت لازم  
 داشت در چهار روز با محام رسانیده اند.

حسام‌الاسلام که یکی از وکلای خراسان بود  
 در طهران فوت نمود، مراسم تعزیت در مشهد  
 بعمل آمد. قشون روس تقریباً ۵۰۰ نفر در مشهد  
 حاضر و هنوز از حاک ایران حرکت ننموده اند،  
 هر روزه در بیرون شهر مشق اسب تازی و تنگ  
 بازی می نمایند.

در سه فرسخی شهر مشهد یک نفر پیاده  
 را یکی از دزدان چون کارد نداشته بود یا  
 پاشه کس سرش را بریده قاتل دستگیر و جلب به  
 نطیبه شده تا مجازات به شود.

### خبر اخبارات خارجه

تکنین و تجهیز پادشاه (لیوبولد) روز چهارشنبه  
 شد. در وصیتنامه او نوشته اولادان من مستحق  
 ۱۰ میلیون فرانک هستند که من از پدر خود بمرث  
 یافته بودم و خواهش وی این است که جنازه اش  
 خالی از تخم و تجمل ساعت هفت صبح برداشته و  
 بهان طریق که جنازه بدوش بر داشته شده بود  
 باشد، روز ناهات (بلژیک) می نویسند که پادشاه  
 (لیوبولد) صورتاً شاهانه و فطن و دهن بوده -  
 (و اگر بد مزاج بود در سلاطین تاریخی می شد)

میکویند که پادشاه (لیوبولد) ما (بیروکس و اگمان) در  
 مقام (س زیبو) در سنه ۱۹۰۸ عروسی کرده بود  
 (مستر آف ایلین بک) در اداره (مستعمرات)  
 مصون تلگرافی را قرائت نمود که خبر میدهد  
 تجارت تریاک در (هنسکایک) و مضافات بسیار  
 کم شده و در (سراندیب) موقوف خواهد شد  
 اگر کوشش همین منوال جاری باشد. (مستر آف  
 ایلین بک) اظهار داشت که در ده سال تجارت  
 تریاکیکه به هند تعلق دارد نالره مسدود خواهد شد  
 بشرطیکه دولت چین هم با این خیال متفق باشد -  
 وقایع نگار (طمس) می نویسد که - دیو  
 مصر علی‌الصالح وارد مکه شد اهالی قریب (۱۵۰۰۰)  
 در خارج شهر ورود معمم له را متعز بوده در  
 کعبه نماز صبح را بحای آوردند -

[قالوا] کشتی موشد در آمریکا را که ایوقت  
 در جزیره نی (بانا) می (۷۰۰) عملیات  
 میباشد حکم شده به در بورد - قوسل  
 امریکا مقیم (ماناگووا) خواهد شد که در - وری  
 مستعی (وزولا) و همرا یانش با ما حاجر مساح اند  
 (ادم پاشا) سپیلار تر در خنک یونان  
 بدوود زندگان نمود

از (وتیو بک) تلگرافی رسیده ظاهر میدارد  
 که (روان) رئیس الوزرای (کنیدا) برمسلك بحری  
 طعه زده و گشته متر این بود که سلامت انگلیس  
 را جبه فرامی دسته چهارات وجه اعانه داده  
 می شد، چه قبل از آنکه این قلیل دسته چهارات  
 (کنیدا) رواه شود احتتام حنک خواهد شد

تلگرافی از (ران) رسیده ماهر میدارد  
 که (سرارست) (بیل) سفر انگلیس امروز  
 با امپراطور عصراه تاول نمود، (داکتروون)  
 تهبان هولونک - بیرون وون ریاس - هرس دل  
 روئیک (میلین) بیز شرکت داشتند، حراند (تکس  
 زتینگ و کرویز زیتنگ) می نگارند که بهتر است  
 دولت انگلیس در تعمیر راه آهن بغداد شرکت کند،  
 تلگرافی از (بروکسل) رسیده که خارته پادشاه  
 (لیوبولد) را با احترامات قوحی در (ایکین) برده،  
 متعاقب آت (پرنس آلبرت) و امرا و اعیان  
 سوار کالسکه بودند، شلیک سلام شد و در کاپیسیاها



ژنگ زند

(برنس لوئیس) به بنگ ها نوشته که وجوهاتی که بنام پادشاه (لیوبولد) و (پرونی و وگهان) جمع است بهیچکس ندهند، پادشاه جدید (بلژیک) خود را بنام (آبرت اول) اعلان خواهد کرد در تشییع جنازه پادشاه (لیوبولد) (دیوک آف کینات) نیاتاً از طرف اعلیحضرت (ادورد هقم) پادشاه انگلستان شرکت داشتند

تلگرافی از (روم) رسیده که (سگنورسونیو) سنناً در بطی که دربارهٔ سکوائف حالات مملکت (ایتالیا) می شود اظهار داشته که اتحاد دول خارجه با (ایتالیا) بدرجهٔ که امروزه هست گاهی نبوده، دولت روس، انگلیس و فرانسه در سلك دوستانه اند، ازین رو امید است که امنیت در اروپا قائم ماند، عهدهٔ وزیر زراعت و وزیر راه های آهن قانوناً تجدید خواهد شد، جهازات تجارتی تحت نگرانی امیر البحر قرار داده خواهد شد

تلگراف (ایس) طامرمیدارد که وزارت استعنا داد، وزراء جدید از جماعت ترقی خواهان منتخب خواهند شد

افسر بحری (امریکا) حکم داده که در (بلوفیلد) جنگ نشود چه خوف اتلاف اموال و هلاکت نفوس دولت متحده میباشد

روز شنبه ادارهٔ بحری انگلستان تعمیر دوجهاز جنگی از قبیل (دریدنات) اول و یک کشتی موشک را حکم داد، این ها علاوه بر آن جهازات است که تذکرهٔ آن در تاریخ ۹ دسمبر شده است، این جهازات در سنهٔ ۱۹۱۲ تعمیر خواهد شد

در قصر سلطنتی (بروکسل) رعایا را جبههٔ مشامدهٔ جنازهٔ پادشاه (لیوبولد) اجازه دادند حسب الیهای خانوادهٔ سلطنتی یکی از حکام نظمیه مکان مسکونه (پرونی و وگهان) واقع (بلنکورت) را قبضه کرده است

تلگرافی از (ویانه) رسیده که دیروز مجلس (رجسنگ) بعد از مباحثه ۸۶ ساعت باختتام پیوست مسودهٔ قانون امضا یافت که بموجب آن رئیس مجلس را اختیار داده شده که در صورتیکه هریک از وکلاء مجلس توهین ویرا نمایند یا اطاعت حکم ویرا نمایند

اورا خلع کنند

پاپ [روم] تلگرافاً تصدیق نموده که پادشاه [لیوبولد] با [پرونی و وگهان] عروسی نموده بود [پرونی و وگهان] وارد پاریس شد در دارالعلوم [کون هیگن] بر کاغذات [داکتر کوك] نظر دقیق نموده انضال کرده که بنظر آنها ورود [داکتر کوك] در قلب شمالی بهیچوجه ثابت نمی شود

تلگرافی که از [کون هیگن] رسیده خبر می دهد که [داکتر کوك] دلایل اصلی خود را پیش نکرده ولی در مسودات ایکه پیش کرده، نقشه ستاره شناسی نداشت و از آن رو اثبات ادله او نمی شد و حالات مفصل را هم ظامر نمی نمود

ماموریت [مستر کلاستون] در افریقای جنوبی رسماً اعلان شد

[میو برانچو] رئیس الوزرای رومانی را مزدوران محکوم راه آهن ۳ گاوله زده مجروح شد، دلی تلگراف مینویسد که [میو جون برنس] بجای میو کلاستون [میو چرچل] بجای میو برنس [میو هارکوب] بجای میو چرچل انتخاب گردیدند

تلگراف پترسبرگ طامرمیدارد تحریک [هیئت مدافعه ملی] دوما برای تخریب دو ملیون اخراجات بحری که در آن يك و ربع ملیون بابت تعمیر جهازات نیز شامل است

لارد کچنر در بندر داروین رسید

[در یونان] باز آغاز به انتشار شده وزیر جنگ جبههٔ ترمیم افواج مسوده که پیش نهاد کرده که در تحریک آن وزیر جنگ سابق [تریوتوکس] را بد گفته [تریوتوکس] با هم مسلکان خود از مجلس بیرون رفته و زور داده که وزیر جنگ باید استعفا گوید

جنازه پادشاه (لیوبولد) با نهایت تزلزل و احتشام برداشته شد، برنس آرثر آف کینات، برنس هنری بروشیا و سفرای خارجه مقیم آنجا همه شرکت داشتند، بعد از ادای نماز نعش را در [کیانکن] دفن نمودند، اگرچه کی باران بود ولی همیشه زیاد

( میجر جنرل سر جیس مکمانند ) سردار قشون  
( موریس ) مقرر گردید

توجیب تلگراف ( واشنگتن ) [ وقت ] رئیس  
جمهوری امریکا با ( اشیده ) ملاقات کرده

پادشاه بلغار حین عبور از ( ویانه با ) مسیو  
ایرنتبال ( ملاقات نمود

تلگرافی از ( نیویارک ) رسیده ظاهر میدارد  
که اعضای انجمن انکشافات که بر سندات ( داکتر  
کوک ) در ماده مالا رفتن وی بر کوه ( منک کنسلی )  
غور می نمود برخلاف وی رای داده و از این رو  
انجمن مزبور اسم ( داکتر کوک ) را خارج از  
دفتر انکشافات نمود

( زیلایا ) رئیس جمهوری سابق ( نیکاراگوا )  
بسمت ( مکسیکو ) رفته است

از ( بران ) اطلاع داده شده که امید حضرت  
امپراتور آلمان نشان درجه دوم ( عقاب سرخ )  
را به ( جنرل ماکامورا ) که مأمور شالی چین  
است عطا نموده

وقایع نگار ( طمس ) از ( این ) خبر میدهد  
که پادشاه با ( مسیو زور ریاس ) که رئیس انجمن  
قشونی است مشافهتاً سؤال کرد ( آیا اطمینان  
وی ر قشون بری و محری میباشد یا نه ؟ ) ( زور ریاس )  
اطمینان ظاهر نمود - پادشاه اظهار داشت که باید  
وی بموجب قانون دولتی رفتار نماید - و اگر  
اطمینان ندارد پس خیلی این امر خونناک است چه  
از پادشاه فرمانبرداری انجمن قشونی ناممکن است

تلگراف سکه از ( پترسبرگ ) رسیده ظاهر  
میدارد که مجلس ( دوما ) يك ملهون و ربع را  
برای تعمیر جہازات جنگی از این جهت منظور  
نکرده سکه در سنه ۱۹۰۹ نیز منظور شده و  
خرج سکرده اند

در حصه شرقی سلطنت متحده امریکا بحدی  
سرد شده که در هر سه بیست سال گذشته بدین  
حد نشده بود، در [ نیویارک ] زاید بر نیم ذرع  
برف باریده است

تلگراف [ بوداپست ] ظاهر میدارد سکه دو  
ملیون لیرا از قرار سود صدی چهار در لندن  
سندات استقراضی بتداول آمده است

يك از امسالی کوریا وزیر اعظم را با خنجر  
مجرور نمود، چنینکه وزیر در کالسکه سوار بود  
لول کالسکهچی را بقتل رسانیده و از خنجر خویش  
وزیر را مجروح ساخته - فلا وزیر در بیمارخانه  
حالت خراب است

در پترسبرگ ( کرنل کاریوف ) را با نارنجك  
هلاک نمودند، ازین قتل هیجانی در آنجا نمودار  
است - برای کشتن کرنل مذکور از سابق تدارك  
حیثه بودند بچه نارنجك را از قوه برق آتش زده اند  
خدیدو مصر از مکه تشکر سلطان عثمانی را در  
انظام پذیرائی که از او نموده بودند کرده است  
لشکریان دولت ( ناکراگوا ) در استزاده  
شکست فاحشی خورده - از جانبین ۶۰۰ نفر  
مقتول و ۱۹۰۰ از قشون [ ناکراگوا ] تسلیم  
شده است

از اتینس خبر رسیده که مجلس ملی ملتوی -  
[ تیبو توکی و ریلی ] در استنای وزیر جنگ جداً  
ایستادگی دارند - انجمن قشونی قبول نمی کنند و  
برای روانگی فوج [ کلب ] حکم دادند - مسیو  
[ ماورو میچالس ] با پادشاه یونان تا دیر باز گفتگو  
می نمود - وزارت یقین استعفا خواهد داد

پادشاه ( البرت ) با شکوه تمام از [ لیگات ] تا  
بروسل [ رفته و در دارالسلطه وارد و شلیک  
سلام شد - تمام شهر را آئین بندی نموده بودند  
سپس در مجلس ملی رفته حذب نمود

پادشاه البرت در حین قسم یا - نمودن در مجلس  
ملی اظهار داشت که تمام کوشش او بر این خواهد  
بود، سکه اتحاد و همدردی و ترقی بلژیک را  
جاری دارد

انجمن قشونی یونان اعلانی صادر کرده که خواہشات  
ملت باید بجزی شود و مجلس ملی در این امر قاصر  
است - رؤسای انجمن های تجار در امداد  
[ تیبو توکی و ریلی ] ساری و در حفاظت مجلس  
حلی کوشان اند - کار بجای نازک کشیده است

از اتینس خبر رسیده سکه انتشار شهر رفع  
شده وزیر جنگ استعفا نمود بجهت اینکه انجمن  
قشونی ترقی آرد خواهان نیستند

واقعات ایران - ترجمه از جرائد انگلیسی  
( ۲۵ ذیحجه )

درین اواخر اخباری از انتشارات بلدان و ناامنی طرق و شوارع بطهران نرسیده و امنیت در هر سوه حکم فرماست ، ولی دولت جدید را اطمینان در رفع انقلابات شده و خود را مستعد برای جلوگیری حدنات متصوره نموده و می نماید اشکالی که برای آینده ایران متصور است همانا ضیق مایه دولت است برای اصلاحات دواثر دولتی. تصنیف مجلس در گرفتن يك استقراض خارجی رفع این اشکال را از دولت به نموده چه شرایط روس و انگلیس درین موضوع مجلس را مجبور به رد استقراض از دولتی می نماید

با این همه دولت جدید راه های دیگر در تحصیل مایه حاصل نموده است که او را از دادن مواجب قشون و اصلاحات عسکری و ترتیبات ادارات و وزارتات مستغنی ازین استقراض نماید

از جمله مشکلاتی که دولت جدید را پیش آمده تشکیل هیئت مساواتیان است که در طهران تشکیل انجمن های پلیدی داده و ابراز ثابت ندی می نمایند و یکی از بزرگان مساواتیان بتازگی اعلان اشاعت داده برخلاف سلطنت در ایران ، یعنی برخلاف سلطنت جمهوریت را تأیید کرده است .

ادامات قشون ملی ایران در اردبیل نتیجه کافی بخشید و ممنون است که در آینده هیچگونه اغتشاشی پیش نیاید ، چه افق آن صوب را از ابرهای کدر صاب نموده اند

اخباراتی که از یاریس در خصوص حرکات ظل اساطان میرسد اطمینان بخش نباشد ، چنانچه وقایع سگار فوجی « پابیر » مینویسد که چند یوم قبل طلع السامان ، سالدوله ، جلال الدوله ، در یاریس انعقاد شورائی نموده بلکه بتواند به تدابیر سنی در جلو عراقه دولت جدید بپردازد و نتیجه مشورتشان این شد که بتوسط سالار الدوله در لرستان انقلاب اندازند و بهرگونه رحیم حاش را در آذربایجان تأیید با تلاش کنند

حبل المتین

ما از مال اندیزی وکلای ملت و رجال دوات همین توقع را داشته و داریم که بعد از آنهمه

زحمت و جانفشانیا وطن عزیز خود را بر اینگان از دست ندهند و استقلال این مملکت شش هزار ساله را به نمن بخش نروشد و نام ننگ ابدی بروی خود و ملت خویش نگذارند ، اگرچه ما یقین داشته و داریم که دولت ایران زیر بار شرایط چنین استقراض شوی نخواهند رفت ولی مازهم از تکرار يك نکته ناچاریم که اگر کابینه وزرا و وکلای مجلس برای حصول این جزئی وجه زیر بار قبول این شرایط استقلال ویران کن روند نام ننگی تا ابد برای خویش در تاریخ دنیا خواهند گذارد و هرگاه در چنین موقع تاریخی چند صباحی صبر نموده و بدون استقراض ادارات و وزارتخانه ها را مرتب و صورت نامی هم بقشون داده مستشارهای خارجی را هم با اختیار خود جلب و بر سرکار بگذارند چنان اعتباری برای دولت حاصل شود که هم قدر وجه برای اصلاحات بخواهند با شرف در بازار گاه عمومی بتواند حاصل نمود و در حقیقت این موقع امتحان ایران یا نطقه زوال و استقلال آن است ، باید همت ، عیرت و جوانمردی خود را ایرانیان در همین امر ابراز دهند ، چنانچه مکرر نوشته ایم بر مرض که قریس و اعانه اخباری و اختیاری در داخله میسر نشود و رهس جوا را هم صلاح نداند کوشش نمایند رف محارجه و آنچه از گمرک و مالیات بدست آید تمام را صرف تشکیل اردو و تصدیل ادارات نمایند در رفع احتیاج مستغنی از استقراض فوری مستغنی خواهند گردید ، امروز باید جا خالی این استقراضی را که میخواهیم به نامیم از کی مصارف بکنیم و ازدیاد دخل را برای تکمیل کارها به تدریج کافی تصور کنند و بودجه مملکتی را از روی صحت ترتیب داده ولو جزئی باشد دخل را بر خرج بیفزایند و دو سال تحمل کنند آنوقت نمره شرافت ملی و اعتبار را در بازار صرافان اروپا مشاهده نمایند و ما امیدواریم چنانچه درین ششماه انقلاب که سخت ترین مواقع ایران بشمار بود اولیای دولت و امنای ملت با حسن وجه انجام کارها را داده و بدون استقراض و بی شرفی حل مضلات ملکی را نمودند درین موقع که ایام نرج است بهتر از آن کارها را از پیش برده و ننگ اینگونه استقراض و بی شرفی را بروی ملت نگذارند

(جل المبین کلکتہ)

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

HANJUL MATIN OFFICE

4, MEDICAL COLLEGE STREET

CALCUTTA

(کافہ امور ادارہ با)

مدیر کل مؤید الاسلام است

(هر دوشنبه طبع)

اوسه شنبه توزیع میشود

(یوم دوشنبه)

(۵ محرم ۱۳۲۸ هجری)

و کلا حق اخذ اپرہ بدون قبض ندارند و تا وقتیکہ

(مشترکاً را قبض مخصوص سال هفدهم دست نیاورد)

(ذمہ شان بری شناخته نمیشود)

نلمہ مقدمہ

# المبتدیان

سنہ ۱۳۱۱

(قیمت اشتراک)

(سالانہ — شش ماہ)

(هند و برمه)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عمانی و مصر)

(۳ مجدی — ۲ مجدی)

(اروپا و چین)

۳۰ فرنک — ۱۶ فرانک

به نسبت اوضاع سیاسی و اجتماعی مملکت که طباً بعد از بحرانیهای شدید در ترقی است ترفیع و تکمیل نماید با رعایت مقدمات فوق اولی نقطه نظر دولت جدید و نخستین اصلاح اساسی سکه بتواند مقدمه اصلاحات دیگر شود سی در حفظ نظم و امنیت مملکت است، برای حصول این مقصود دولت از تریه فوری قوانینکه بتواند ضمانت امنیت را بنماید ناگزیر است و این قوا مرکب خواهد بود اولاً از یک عده قشون منظم و مرتب که در نقاط مختلفه مملکت اردوی دائمی داشته باشند، ثانیاً از قرا سورانهاییکه برای حفظ طریق و شوارع لازم است، ثالثاً از پلیس و نظمیہ در شهرها

مسلم است ترتیبات اساسی قوای فوق الذکر خصوصاً قوای نظمی مدافعه و مطالبات کامله لازم دارد و اصلاحاتی سکه در امر قشون در نظر است موقوف بدقت مخصوص و تقدیم لوایح قانونی آن بمجلس شورای ملی خواهد بود و چون قبل از اجرای اصلاحات اساس مزبور ایجاد یک ترتیب موقتی که بتوسط آن ضمانت امنیت فوراً میسر شود لازم است عجاتاً دولت مجبور خواهد بود بتوسط عده از قوای سابقه دولتی باقی مانده بر ۲۵ الی ۳۰ هزار نفر حفظ انتظام و امنیت را نموده با فراغت خاطر بدون فوت وقت اصلاحات اساسی را پیشبراد نماید، و بدین است برای همین استفاده موقتی از قوای سابقه باید معاش هر عده که برای حفظ امنیت و انتظام استعمال میشود بطور منظم و کافی ایصال نمود که در مقام انجام خدمت و متابعت نظم و ترتیب عذری برای آنها باقی نباشد، و بودجه مخارج همین قوانینکه موقتاً برایش

پروگرامیست که وزراء در حین معرفی خود به مجلس شورای ملی پیش نموده اند ( ضرورت این قاعده مسلم است که طالب هر مقصودی همیشه مقصود خود را آتی الحصول آرزو میکند و حق القدرور مایل است از عقباتی که طی آنها موقوف علیه حصول مقصود است گذشته زودتر به نیل مرام موفق شود،

هیئت عالیہ وزراء نیز سکه طرفدار سلطنت مشروطه و هوا خواه ترقی و اصلاحات هستند نمیتوانند از این قاعده کلیه مستثنی باشند و البته قویاً آرزو مندند که با سرعت تمام اصول و قواعدی را سکه امروز طایه سمدت و عظمت ملک مقدمه و دست رنج قرنها زحمت و فداکاری است فوراً بمقام اجرا آورده مملکت را بدرجه قصوای سمدت نائل سازند، اما چنانچه معلوم است اسباب و لوازم حالیه و مشکلات و موانعی که نتایج سوء اداره سابق است با قصد آرزوی آنها کاملاً مواقت نمیکند و ملاحظه قد اسباب و عناصر عامله یا مدافعه با توغل اشخاص در عادات و اخلاق سابقه طبیعا حسن نیت اولیای مور را مقهور قانون تکامل و ترقی تدریجی مینماید، ر از آنجا که اساس بهترین سیاسات عالم بر صدق و حقیقت است امروز هیئت وزراء باید فقط آرزو و مسلك خود را ملخند تمهد خدمات قرار نداده حق القدرور از استعمال گزاف و اغراق در اقوال و مواعید احتراز کنند، بلکه نسبت تمهدات خود را با اسباب کار و استطاعت فعلی محفوظ داشته سی نمایند، که پس از ایفای وعده های سهل تر بانجام مقاصد عالی تر موفق شوند و بیقاعد و خیالات را

حفظ امنیت استعمال میشود نیز به مجلس شورای ملی پیشنهاد شده تصویب مجلس نسبت بان جاب خواهد شد، در خصوص قراسوران و پلیس چوبی در غالب ناط از سابق ترتیب معین نداشته است حتی الامکان سی میشود که از اول مطابق اصول محیی به برقراری آن اقدام شود، محل دانی مخلوج فوق الذکر معلوم است از مائیت های دولتی خواهد بود و هر قدر کسر داشته باشد نیز باید محل آن در مملکت تدارک شود. زیرا که اهالی مملکت که میخواهند به نعمت نظم و آسایش متم باشند باید از عهده مخارج آن نیز برآید ولی چون عجائبا برای شروع عملیات اعتبار نقدی فعالی تقریباً معادل پنج کرور تومان لازم و تحصیل این اعتبار فعلا در داخله مملکت مشکل است تریه آن از راه يك استقراض جدید به نظر انب میاید، و در به اهمیت فوری تامین مملکت باید بی درنگ داخل مذاکرات مساعده معادل مبلغ فوق شد و بعد از آن مذاکرات اصل استقراض شروع نمود.

استقراض باید به ترتیبی باشد که در ضمن آن قروض جاریه مختلفه که دولت با فرع و منافع گزاف مدیون است بقرض ثابت دولتی ~~ص~~ه بالباع منافع آن سهل تر خواهد بود تبدیل شده ضمنا محل تادیه منافع و استهلاك مبلی ~~ص~~ه برای مخارج لازمه علاوه گرفته میشود نیز نامش شده باشد و معلوم است نتیجه مذاکرات واجح به استقراض به اطلاع مجلس شورای ملی رسیده حتم آن منوط به تصویب مجلس خواهد بود. چنانکه صورت آن وجوهات هم به جزء و تحصیل به اطلاع و تصویب مجلس خواهد رسید، برای اطمینان از رسیدن وجوه دولتی به صرف مقرر و جلوگیری از مخارج بی قاعده و سوء استعمال وجوه دولتی ~~ص~~ه در این اواخر طادت شده بود و هم چنین برای تکثیر عایدات و تصحیح ترتیب جمع و خرج دولت فوراً شروع باصلاحات مالیه خواهد شد

مهم ترین اصلاحی که دولت جدید در نظر وارد اصلاحات مالیه و درمیان آنها آنچه دارای اهمیت فوری است ایجاد يك ترتیب نظارت و تعقیب واقعی در ترتیب تادیه مخارج و به صرف رساندن وجوه دولتی است

حسن ترتیب و اجرای این وزارت را دولت جدید یکی از بزرگتر و مهم ترین اصلاحات دانسته اهمیت و لزوم آنرا در ردیف حفظ انظام و امنیت

مملکت فرض میکند و لوائح لازمه را در ترتیب این نظارت به مجلس شورای ملی تقدیم و بتصویب مجلس خواهد رسانید

در ضمن اصلاحات مالیه به ایجاد دیوان محاسبات و ترتیب جهتی آوری عایدات دولت در مرکز و تشکیل اداره خزانه داری عمومی که این حله موجب تکمیل و تصحیح امر نظارت مالیه است نیز شروع شده و همچنین در ترتیب اخذ مائیت و تصحیح تقسیم آن نیز تدریجاً مضافات لازمه شده به ترتیب (الامم فالاهم) لوائح وقوع اجرا خواهد رسید

در خصوص بودجه های ادارات بدون تاخیر در ترتیب و تدوین آن ها اقدام میشود که هر چه زود تر در جزو بودجه کل مجلس شورای ملی پیشنهاد شود، ولی چون برای تدوین بودجه ها در وزارت خانه ها و مامه آنها در وزارت مالیه و تصویب در مجلس شورای ملی دقت و فرصت کافی لازم است و در مدتی که هنوز بودجه های مزبوره تمام نشده تاخیر حقوق مستخدمین ادارات موجب تملیل امور خواهد بود لذا موقتا بر حسب ضرورت مخارج استمراری دولت مطابق بودجه های خواهد بود که از اول دولت حالیه معمول و متداول شده است و حتی الامکان سی میشود بودجه کل معامه هر سال در موقتی که در قانون اساسی تصریح شده است حاضر و بمجلس پیشنهاد شود، علاوه بر اقدامات فوق که برای تحصیل امنیت و اتمام و اصلاح امور مالیه میشود و یخین طرح ادارات دولت نیز مطابق اصول مقتضیه جدید لازم خواهد بود، زیرا که تا ادارات دولتی که آلات قوه اجرائیه هستند بر اساس حکم گذارده شود اتحاد وسائل ترقی و آبادی مملکت میسر نخواهد بود

برای ترتیب اساس ادارات بایا مصمم شد ~~ص~~ه از استخدام بعضی مستشارها از خارج ناگزیریم که با رعایت مقتضیات حال مملکت ترتیب ادارات اساسی گذاشته شود که شعب آنها بیکدیگر مربوط و متناسب باشد زیرا که مسلم است اقتباس قواعد و قوانین مختلف از ممالک مختلفه در مقام عمل اسباب اشکال خواهد شد

در ضمن تصحیح و ترتیب ادارات اهتمام مخصوصی در نظم و ترتیب عدلیه و محارفات نیز لازم خواهد بود در خصوص عدلیه اهم اقداماتی که باید بشود وضع و ترتیب قوانین است که فوراً شروع شده

بمجلس پیشنهاد میشود. ولی قبل از آنکه قوانین مزبوره از مجلس بگذرد برای بصرفت امور عدلیه لازم است که اولاً قواعد و دستورالعملهای موقتی که از طرف وزارت عدلیه ابلاغ میشود موقتا لازم الاجرا بوده مخالفت با آنها نشود

و ثانیاً قبل از آنکه قوانین راجعه بانتخاب رؤسا و اعضا محاکم عدلیه وضع شود وزیر عدلیه در انتخاب اعضا اختیار تام داشته باشد که مادام که قوانین وضع شده است بتواند مساویت لازم بر عهده بگیرد

در باب معارف نیز لوائح و قوانینی که برای ترویج و ترقی معارف لازم است بمجلس پیشنهاد خواهد شد که بعد از مذاکره و تصویب در مجلس بموقع اجرا برسد ولی اشاره باین نکته لازم است که ایجاد یک ترتیب صحیح برای ترقی معارف مخارج و مصارف کافی لازم دارد و عجالتاً با مضایقه فضای مایه دولت غیر از اینکه برای ترویج معارف اهالی مملکت کمک و امداد نمایند ترتیب دیگر بنظر نمیرسد ترتیب مساعدتی که باید از طرف عموم نسبت بامر معارف بشود با بودجه معارف و قواص آن و همچنین ترتیب و مخارج یک عده متعلمین که برای تکمیل تحصیلیات یا معایبه عملیات بهارجه اعزام خواهند شد از طرف وزارت معارف بمجلس پیشنهاد خواهد شد در دیل کلمات مذکوره فوق اشاره باین معاب

بنا لازم است که البته هیئت وزرای حالیه در اجرای مواد قانون اساسی سی و اتمام بلیغ خواهند بود لکن این مسئله معین است که ناره از مواد قوانین اساسی کلیات و اصولی است که با قوانین فرعی و جزئیات و مستثنیات آنها چنانکه در همان مواد نیز اشاره شده است وضع و تدوین نشود آن اصول و مواد قابل اجراء نخواهند بود، پس بهترین اقدامیکه هیئت وزراء در خصوص این قبیله مواد بتوانند تصدیق کنند آن است که قوانین فرعی که در حقیقت بمنزله تفصیل قوانین اساسی است هرچه زود تر از ادارات بمجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند که بعد از تصویب مجلس بموقع اجرا برسد

### حبل المتین

هرگاه درین پروگرام وزرا غور شود خواهیم دید که بنابر مناسبات سیاسی و مقتضیات کنونی ایران هیچ نکته فروگذار نشده، نه تنها بملاحظه آنکه تا کنون وزرای ماسلک و پروگرام نداشته اند این پروگرام قابل تمجید است بلکه بحیثیت جامع و مانع

بودن آن شایسته تقدیر میدانیم قبل از اینکه بر حسب وظیفه خود داخل تشریح مواد این پروگرام شویم از بیان یک نکته ناچاریم و آن این است که در پای بندی این پروگرام غور و تأمل نماییم، در انحراف ازین پروگرام دو تصور میرود یکی اختیاری و دیگری اجباری. اما اول ناز بر اینکه وزرای ما امتحان خود را داده و حسن نیت خویش را در خدمات ملیه بخوبی ثابت کرده اند ما را یقین کامل است که باختیار وزرای کنونی انحراف از پروگرامی که بمجلس پیش نموده نخواهند فرمود، فقط در شق ثانی که انحراف اجباری است لازم می شماریم اندکی بسط کلام داده وزرای محترم را متوجه سازیم

باید دانست که انحراف اجباری وزرا ازین پروگرام بر دو گونه است. اول مواع داخلی که کن نداریم با نیت خاص اگر وزرا استقامت فرماید مایه در داخله پیش آید که آنها را مجبور بانحراف از مواد یا یک ماده این پروگرام نماید، اما مانع خارجی که سبب انحراف از پروگرام شود آنها یا اجباری است مانند پیش آمدن جنگ رسی و امثال آن برای دولت و یا اختیاری مانند دادن برخی امتیازات بحارجه و یا استقراض نمودن از خارجه یا شرایسی که سبب انحراف وزراء از مواد این پروگرام شود، ولی این گونه انحراف وزراء ولو ظاهراً اجباری هم باشد باز هم ذمه دار و مسئول نزد مجلس خواهند بود، چه مجلس آنها را با این پروگرام بوزارت شناخته و این پروگرام سندی است که بمجلس سپرده اند، تکلیف آنها بود که از اول در مواع متصوره اعم از خارجه و داخله غور نموده سپس سند به سپردند، و یا اگر مجبوری فوق تصور پیش آید که از عهده دفع آن بیرون نیایند از وزارت کناره گیرند و رضا بانحراف از پروگرامی که پیش نموده نشوند که هم خیر ملت در آن است و هم افتخار آنها بهمین

ازین رو ما در تذکر هیئت محترم وزرا اشاره می نمایم که خوب است مکرر پروگرام خود یعنی ماسلک خویش بمجلس سپرده با افعال و اقوال خویش موازنه نموده تا تخلف و زبانی ظاهر نگردد و معنی پیش بودن پروگرام را بمجلس بدانند که سند قولی و فعلی به مجلس سپرده اند و دار مدار اطمینان مجلس از هیئت حالیه وزرا همان پروگرامی که سند ماسلک آنها است میباشد و اگر



آمدن شخصی از بروغرام خود نمایند سلب اطمینان مجلس از آنها خواهد شد و چون تاکنون دولتیان باقوال و سندات خویش که بملت سپرده پای بندی نکرده اند اینک وکلای ملی سرتابا هوش شده مترصدند که باندازه خردی ترد قوی یا انحراف فعلی از آت بروغرام نوده جلوگیری از ایشان کرده و سلب اطمینان از آنان به نمایند پس از این بیان مختصر که کتابی شرح و بسط را در خور دارد هیئت وزرا را متذکر می شوم که با دقت دقیق در شرایط استقراض از روس و انگلیس مذاقه فرموده به پند که اگر با این شرایط استقلال ویران کن استقراض نمایند آیا منای با سندی که بملت سپرده یعنی بروغرامی که به مجلس پیش کرده اند خواهد بود یا نه ؟

بقیده ما بلکه بقول جمیع ارباب جراند اعم از دوست و دشمن استقراض با چنین شرایط منای یا اصل اصیل استقلال است تا چه رسد بهواد این پروغرام چه قدر منصفانه (دیلی نیوز) لندن سخن بفرماید که « هرگاه وزرا با شرایطیکه دولتم پیش نوده استقراض کنند و مجلس هم رضا دهد استقلال و مان خویش را بملنی بسیار ناقابل فروخته اند هیچ حی شبه نیست دولتی که مالیه و لشکری آن تحت نگرانی نافذه دو همایه مقتدر در آید نه تنها از جمیع مزایای ترقی محروم خواهد بود بلکه اطلاق لفظ آزادی و استقلال هم بر آن دولت از کلمات بی معنی است (اوضاع حالیه متر بهترین شاهد قول ماست که فقط دولت انگلیس بر اداره مالیه و عسکریه او نگرانی دارد) بارها نوشته ایم که اگر این وضع ناگوار در ایران پیش آید بدرجات شتی حال ایرانیان از مصریات بدتر خواهد شد چه بر حسب عهدنامه روس و انگلیس و قضیات جغرافیائی ملت ایران تحت اثر انگلیس و دولت تحت نفوذ روس قرار خواهد گرفت، و طبعا این دو بیت سبب خواهد گردید که ملیت ایرانیات دست از هم برداشته شیرازه قومیشان از یکدیگر متلاشی گردد (برس بسارک) در یکی از جشنهای میلاد خود ضمن نطق خویش ملت آت را بصیحت کرده میگوید « تکوین قومیت را چنانچه تاریخ طبیعی بین المللی با نشان میدهد کم از کم پانصد سال درکار است و همین حالا دارد برای مردمانی که قومیت خویش را باخته اند « اسکندر بهمین ملوک طوائفی پانصد سال نگذارد قومیت ایرانیان شیرازه بندهد و اگر بتاریخ بود و اراده و شیره و شیره رجوع

شود خواهیم دید که برنس بسارک در نطق خود ساده و سهل سخن رانده است

ازین نکته نباید غافل بود که استقراض با این شرایط استقلال ویران کن نه تنها مانع ترقی و ملی آزادی دوات ایران است بلکه محو کننده ملیت و برباد دهنده مذهب اسلام میباشد و چند سال پیش طول نخواهد کشید که امارات مختلفه در جنوب و شمال و شرق و غرب ایران تحت حیاة خود تشکیل خواهند داد، یعنی برای اعدام قومیت ایران تشکیل ملوک طوائفی خواهند نمود که تا هم قومیت ایران شیرازه بر دار نباشد و هم بین وسیله ایرانیان را بهم انداخته خودشان از مدافعه آنان مصون مانند و بانک حیاة از یک فرقه بدو ضرر ملی و جانی مستولی بر قسمت خویش باشند.

چنانچه امروزه در آسیا و افریقا صدها این بازیهای سیاسی و امرای مصنوعی را مشاهده می نمایم و اینها همه دست پروردگان تمدن جدیدند که در محو استقلال ملل و دول بزرگ پرورش داده اند

با این بیانات کافیه و معاینات حسیه هیچ لازم بشرح نمیدانیم که بگوایم این استقراضی که وزرا خواسته اگر باین شرایط قبول شود نه تنها مخالف با بروغرام آنها خواهد بود بلکه بتسی استقلال ایران را محو خواهد نمود که فرصت به تحصیل سایر مواد این بروغرام هم نخواهد ماند

ما هرگز تصور نمی نمایم که وزرا زیر بار قبول شرایط این استقراض بروند و بر فرض محال که آنهاهم مناور نمودند وکلای ملت چگونه تسلیم خواهند کرد و سلمنا که مجلس سری نوده کار را از پیش بردند ملت چطور قبول و حضرات آیات الله چطور رضا خواهند داد، امروز که ایران را چنین بحرانی عظیم ساری گردیده که حیات سیاسی آن را در اشد مخاطرات انداخته بر هر فرد ایرانی است که سرتابا هوش شده نگذارد که وزرا یا وکلا درین موضوع گول بخورند، حضرات آیات الله ووزرا و وکلا و افراد ملت بدانند که دولت ایران باندازه مجبور نشده که چنین استقراض میشود نماید و این استقراض که بجای زهر ملامل است دولتمین میخواهند بشف بگویی ما ریزند، ما نمیگوییم که دولت جدید محتاج بمساعدة نیست ولی با اطمینان و ایقان میگوییم که دولت راههای عدیده دیگر برای جلب این مساعدة دارد چنانچه مکرر نوشته ایم و تا قلم در دست داریم خواهیم نوشت و انداء منتظر خود هرگاه انداخته

نگارش يك از واقفان بمواقف وموز  
(استقراض ايران از روس و انگليس)

از قرار معلوم مجلس شورای ملی رای داده است که استقراض از خارجه بشود و برای ادارات دولتی هم مستشارهای خارجه مستخدم گردد، و بطوریکه مخبر طهران روزنامه «طمس» انگلیسی نوشته است مبلغ استقراض با صد هزار لیرا خواهد بود و کایه این وجه را صرف ترتیب هیئت زاندرای خواهند نمود، ولی بطوریکه وقایع نگار مشارالیه مینویسد گویا دولت روس اصرار خواهد کرد که مشاقهای ژاندرای شاهی ایران روس باشند و همچنین دولتین انگلیس و روس دور نیست بخواهند شرط کنند که مستشارهای خارجه از هر ملتی که آنها تصویب نمایند باشند و نه از ملل کوچک بیطرف اروپا چنانچه ایرانیان مایلند.

چون مسئله استقراض و عمل مایه اول اهمیت را برای ایران دارد و استقلال و بقای مملکت بسته بآب است، یقین دارم هر چه به نظر افراد ایرانیها بیاید و خدمتعالی عرض کنند درستونهای گرانبهای خریدۀ مقدسه درج خواهید فرمود.

اول باید هموطنان بدانند که روزنامههای فرنگستان در باره ایران چه مینویسند، روزنامه «طمس» که در دادش خبر استقراض بر سایرین سبقت نموده است مثل میگیریم، چون این روزنامه رسمی است آینه احساسات ملت انگلیس نسبت بایران نیست، باز محض مزید اطلاع هموطنان و برای اینکه سیرت آنها را بجوش آورد اشاره به بعضی از نکات آن خالی از فایده نخواهد بود، باید بدوا عرض کنیم که روزنامه «طمس» از وقتیکه روس و انگلیس با یکدیگر قرار داد بسته اند هر وقت از مسئله پول دکری کرده سی نموده است مدال کند که ایران محتاج به پول است، و پول نمیتواند تحصیل کند مگر بکمک خارجه و این کمک را باید از روس و انگلیس بیاید و همیشه زمزمه آنرا میکرد که دولتین استقراض را بدون بعضی شرایط نمیتوانند بدهند، و خیال تشکیل بانک ملی و مراقدای را که ایرانیها برای ترویج پول در داخله مینمودند تمسخر مینمود، چرا این کار را میکرد و میکند؟ محتاج بتوضیح

نیست، تاریخ عالم خوب نشان میدهد که تسلط بر کیسه تسلط بر همه چیز را مآورد.

«طمس» در ضمن مقاله خود اولاً مجلس ملی را تبریک میکند که تصفیه خوبی نمودند و راضی شدند باستقراض از خارجه که غیر از این ایران چاره نداشت، و بعد سی دارد ثابت کند که تحطیف ایرانیها این است شرایطی که دولتین پیش نموده قبول نمایند، روسها چون بتافشان در شاهی ایران خیلی ضرر وارد آمده است حق دارند اصرار نمایند که مشاقهای قشون شاهی روس باشند محض اینکه مطمئن از بقای امنیت شوند، و نیز چون قرض را دولتین میدهند طبیعی است که بخواهند اشخاصیکه مسئول صرف وجه این قرض خواهند شد از اتباع خود شان یا از اتباع هم عهدان آنها باشند، درحاقه مینویسد کسی بزور نمیتواند بایران قرض بدهد و اگر راضی باین شرایط نمیشوند باید صرف دالر از استقراض نماید، ولی باید دید ایران بدون قرض تا کی دوام خواهد کرد.

نمیگویم که مجلس شورای ملی و دولت ایران باین قبیل شرایط راضی خواهند شد و معلوم هم نیست که دولتین روس و انگلیس این شرایط را واقعاً خواسته باشند و به اجرای آن اصراری داشته باشند، این مطالب و این اظهارات روزنامه «طمس» را فقط محض هوشیار نمودن هموطنان عزیز لازم به نقل دیدیم، اگر مجلس ملی و دولت راضی باین قبیل شرایط شوند از ناچاری خواهد بود برای اینکه امر مملکت بدون بول نماند و در اهل ایران هم تا بحال آن قدر هم دیده شده است که در داخله بولی تهیه کنند و این خود بخارجهها بیشتر بروبال داد.

دو سال قبل که صحبت تشکیل بانک ملی در میان بود فرنگیها استرازا میکردند و عقیده شان این بود که در ایران بول نیست و ایرانیها اصمیتان ندارند که بول در این قبیل کارها بگذارند! و همین طور هم شد، اگر فرنگیها به بیتند که در خود ایران و بهمت ایرانیها برای دولت ممکن است قرض مختصری تهیه شود شرایط را آسان تر میکنند، پس اگر ایرانیها واقعاً وطن خود را میخواهند باید فوراً در این مسئله کاری بکنند، باید افراد ملت

شهرزادگان ، اعیان ، امرا ، تجار ، کسبه هرکس  
 باندازه خود همراهی کند ، ولی نباید کار بحرف  
 و تعارف و وعده و این قبیل چیزها منحصر شود  
 و وقت بگذرد و اشکالات زیادتیر بشود ، اگر ما  
 ایرانیها همت میداشتیم و همه متحد میشدیم چرا  
 نمیشد استقراضی در داخله فراهم آوریم و اسباب  
 ترتیب بدهیم و هرکس باندازه خود سهم بخرد ؟  
 نمیگوئیم که استقراض کلی باین ترتیب ممکن است  
 ولی این جزئیات در کمال خوبی ممکن است ، اگر  
 هموطنان عزیز این قدر هم اطمینان ندارند و  
 نمی خواهند در این موقع باریک کک بکنند پس  
 دیگر نباید از وطن برست اسم ببرند و بر این وطن  
 زار باید گریست ! و در صورتیکه از طرف مردم  
 همراهی نشود و وطن دوستی و مملکت پرستی فعلیت  
 بهم نرساند مجلس ودوات چه بکنند ناچرند بخارج  
 متوسل شوند ، و خارج هم چون اجبار دولت را  
 میدانند شرایط را سخت میکنند ، و اگر با این وضع  
 دولت بتواند شرایط خوب تحصیل کند خیلی جای  
 آفرین خواهد بود و بسی منت پر همه ماها خواهد  
 داشت . ولی میدانیم که در وطن خواهی اهل ایران  
 نقص و خللی نیست و اگر در این قبیل کارها تا  
 حال اقدام و اتفاق لازم را نکرده اند بواسطه  
 عدم بصیرت از حالت بلذیکی ایران بوده و میدانستند  
 که عدم اتفاق و جن چقدر ضرر برای مملکت دارد  
 پس هوشیار نمودن آنها و روشن کردن  
 خیالاتشان بر عموم وطن خواهان واجب است و  
 این تکلیف و این خدمت را نمیتوان ادا نمود مگر  
 بواسطه مطبوعات ایرانی که امروز بحمدالله تمام  
 خوبند و مطبوع ، جراید باید ساده و واضح نوشته  
 شوند که همه بفهمند و مقصود بعمل آید ، لهذا باید  
 کاری بکنیم که عده مطبوعات روز بروز زیادتیر بشود ،  
 و بر همه واجب است که روزنامه نویسی را در  
 ایران تشویق کنند در همچو موقعی که ما آن قدر  
 محتاج بجراید خوب و بخدمت انبای وطن با غیرت  
 یا همت هستیم ، چقدر جای تأسف است که اداره  
 «جبل اللین» طهران بسته ومدیر آن روزنامه محبوس  
 باشد از اصل واقعه درست مطلع نیستیم و اطلاعات  
 خود را از جراید ایرانی و فرنگی کسب نموده ام و

آنچه از اینها معلوم میشود این است که هرچه شد  
 است نتیجه اعمال دشمنان میرزا سید حسن بودمانند  
 و آنها را میتوان دشمنان ترقی و اتحاد ایرانیها دانست  
 که از میدان در کردن یکنفر از قابل ترین و غیور  
 ترین خدایان وطن را غنیمت و برای مقاصد خویش  
 سودمند دیدند . دل شخص میسوزد که مطبوعات  
 فرانسه و آلمان وانگلیس وغیره از اینها بابت اظهار  
 تأسف نمایند و حبس آقا سید حسن را ببازانند  
 «سوء قضاوت و خبط» و امثال اینها تشریح  
 کنند ، و این را هم بالاخره گواهی بر عدم اتفاق  
 و اغراض اهل ایران قرار دهند .

قدر و قیمت ستونهای جریده محترمه را خوب  
 میدانم ، لذا این مطالبیکه عرض میشود محض  
 صفحه برکردن و توضیح اوقات شریف نیست ، باوجود  
 اینکه خودم از اشخاصی هستم که وقتم بسیار کم است  
 عرض این مطالب را تکلیف مقدس خود میدانم .  
 در مسئله هوشیار نمودن اهل مملکت و بپوش  
 آوردن غیرت و وطن پرستی شان هر قدر عرض شود  
 مبالغه نیست ، همه میدانند ممالکی که ترقی کرده  
 ممالکی بوده اند که این احساسات و این شرایط در  
 اهالی آنها موجود بوده است ،

عثمانی و ایران و امثال این ممالک چرا پس  
 رفته ؟ برای اینکه این حیثیات در مردم این ممالک  
 مرده بود شکر خدا را که امروز بیدار شده و ترقی  
 که در این قبیل مدت بیداری خود کرده اند برهان  
 قاطعی است بر آنچه عرض شد ، حمد خدا را که  
 از تمام ممالک اسلام بانک بیداری میآید و آرزومندان  
 ترقی و اتحاد اسلام را همه نوع امیدواری میدهد ،  
 برای حصول مقصودی که عرض شد غیر از  
 مطبوعات باید وسایل دیگر هم داشته باشیم ، چون  
 فعلا بدبختانه تمام اهل ایران سواد ندارند و نمی توانند  
 از خواندن جراید و کتب مستفید شوند خوب است  
 در هر شهری و در هر دهی مجمعی تشکیل شود و  
 مطالب مفیده از تاریخ و از عظمت و جلال گذشته  
 ایران و از اوضاع حالیه و خیالاتیکه دولت دارد در  
 حفظ و ترقی مملکت بمبارات واضح و بطور دلچسب  
 بیان شود ، که هم مردم را مشغول کند و هم اسباب  
 تربیت شایسته شود . همچنین در مساجد واعظین  
 خوب است از این قبیل مطالب وعظ کنند . در

فهره خنهای ایران که تالی معمول است چه ضرر دارد من بعد تالی خوب معین شوند و از طرف دولت یا ملت نمونه با آنها داده شود ~~که~~ بعضی وقایع تاریخی ایران را بطور روطن و بوضع مسیح برای مردم حکایت کنند ، بسیار خوب است که رومانیهای تاریخی نیز بزبان ذرسی نوشته شود از حایمار ، که یکی از عمده وسایل تهذیب اخلاق و ترفیع افکار اهل اروپا است عجمه حرف نهیم ، باری مقصود از این مکتوب اشاره بکلیات است و افتتاح باب مباحثه در اینست . و انشا الله هومتان عزیز که بیشتر فرصت دارند عقاید خود را با نکات دیگری که بنظر شان بیاید مرقوم خواهند داشت . بنده در اینجا نباید ارمباب اصالی که مسئله استقراض بود دور شوم ، زیرا که حیات ایران امروز بسته است بچگونگی قطع و فصل عمل مالی ، با غیرتی که در هوظنان خود میدانم یقین دارم اگر از اوضاع درست مطلع بودند بکنفر ایرانی نه بود که پیش نیاید و بتدر قوه خود اعانه بصندوق قرض ملی ندهد . و اگر هرکس باندازه خود بدهد از پنج هائی الی بچهار تومان احتیاجی بکمک از خارجه نخواهد بود . ضمنا در عمل مالیات گیری باید اصلاحات بشود و مالیاتهای که فعلا دولت نمیگیرد ، باید بگیرد چطور ممکن است امر دوات بگذرد و چرخ ادارات بچرخد بدون مالیات ، میتوان گفت تا بحال ایران مالیات نداشته است ، در اروپا از هر چیز مالیات میگیرند و وقتی در بودجه دولتی کمتری میشود در عوض اینکه قرض بکنند مالیاتهای تازه میگذارند و یا بر بعضی از مالیاتهای موجوده میفزایند و چون بوسایل لازمه سبب و جهت را ب مردم حالی کرده و مردم میدانند که نفع و سلامت مملکت در دادن مختصر مالیات است با کمال میل قبول میکنند . بعد باید به آباد نمودن مملکت پرداخت ، باید راه ساخت ، معادن را کار کرد ، اقدام به آبیاری مملکت نمود ، که از برای زراعت و ثروت واجب و لازم است ، غنایها مشغول هم کارها شده اند و سرمایه داران خارجه را دعوت نموده اند . در صورتیکه اینکارها بشود نه فقط احتیاجی بقرض نخواهد بود بلکه دولت سالی مبلنی اضافه خواهد داشت ، جگر میسوزد وقتی فکر میکنیم که کارها بدون استقراض

ممکن است بگذرد و ما مجبوریم از خارجه استفاده بخواهیم و خیر از اینهم دولت چاره ندارد واحدی نمیتواند ابراه بگیرد ، تا اینکه اتحاد از طرف ملت نشود و به نحوی که اشاره شد هرکس باندازه خود کمک نکند که این احتیاج حایله رفع شود و آنوقت ترتیب مالیات گیری اصلاح گردد

ای مردم ایران به بنیاد سایر ملل چه کرده اند و بدانید چرا با عظمت و با قدرت شده اند تمام از وطن پرستی و اتحاد و بیغرضی و فداکاری بوده است ، فراموش نکنید وقتیکه ژاپون با روس میجنگید افراد اهل ژاپون اعانه برای مخارج جنگ میدادند ، مگر شنیدید که زبای فقیر ژاپون که استطاعت معاوت نداشته گیسهای خود را بریده میفروخته و قیمت آن را بصندوق اعانه جنگ می رسانند ؟ بلی اگر خیر از این بود ژاپون امروز ژاپون نمی بود . در صورتیکه امر دولت باید از مالیاتی که از ملت میگیرد بگذرد و ما امروز مالیاتی که قابل ذکر باشد نمیدهیم ، چرا باید از روس و انگلیس قرض بکنیم در صورتی که خود روسها امسال در بودجه شان مبلی کمر داشته و محض رفع آن مالیات را زیاد کردند ، همچنین انگلیسها الآن در هیجان هستند و دسته های پلنتیکی بهم افتاده اند و پارلمان بهم خورده است و انتخاب عمومی درکار است ، تمام در سر بودجه امسال است که تغییرات در ترتیب مالیات داده است و باوجود اینکه خیلی ها ناراض هستند که باید بیشتر مالیات بدهند ، ولی چون سلاح و نفع مملکت را در اینکار می بینند قبول خواهند کرد .

چون نمی خواهم داخل جزئیات و تفصیل بشوم مجلا عرض میکنم که در فرنگستان از خانه ، از مدخول مردم ، از مایملک اشخاصیکه فوت میشوند ، از کالسه ، از هر چیز که اسباب تحمل است ، از قیل علامت روی کاغذ و سگ و نوکر و قشک و غیره مالیات میگیرند . از تمباکو و مسکرات و غیره که در داخله مملکت صرف میشود نیز مالیات میگیرند ، اینها چند مثل بود ، از مدخولی که از تر اسناد و از تلفون و چیزهای دیگر که باید دولت میشود ذکری نمیکنیم .

ما که این مالیاتها را نداریم و حتی آن مالیاتهای

▶ ترجمه از روزنامه مورنیک پست ◀

( دهم دسمبر )

پیغمبران بد خبر که چند ماه قبل خراب فوری ایران را پیشین گوئی میکردند بآرزوی راست شدن پیشین گوئی شان نرسیدند ، اتصالاً میگفتند که ایران نمی تواند دولتی داشته باشد مگر از عهده رفع انتشارات برآید ، هیئت بعد از رفتن محمدعلی بروسیه و بعد از آنکه دولت جدید هم ظاهراً اساس محکمی پیدا کرد اصرار داشتند که شورش و انتشارات در کمن است و در افتتاح مجلس ملی بروز خواهد کرد ، پارلمان هم باز شد و تا حال هیچ انتشاراتی بروز نکرد ، پارلمان در عوض اینکه با کابینه ضدیت نماید تکلیف کابینه را در مسئله استقراض قبول کرد و تمام اینها کذب این عقیده را که هیچ ملت منترقی قابلیت آنرا که خود حکمرانی نماید ندارد ثابت میکند ، بواسطه این اظهارات نمی خواهیم اسکار نایم کاری که ناخمن حالیه شاه در پش دارند فوق العاده مشکل است در تصمیم استقراض از انگلیس و روس به نقطه راه حل اشکال رسیده اند محمدعلی خزانه را حالی گذاشت و رفت سلاطین ایران پش از اینهم ور شکست شده و بیک نوعی حکومت مملکت را پش برده اند سردار اسعد و سپهدار اعظم که امروز آئیه ایران در دست آنها است باین قانع نیستند که بیک نوعی حکومت را بگردانند ، اگر آنها هم قانع میبودند فشارهای خارجی باندازه قوی است که اینکار را نمی توانستند بکنند .

در نقاط متفرقه ایران مقدار معتابه از قشون روس باقی است و هر دولتی که بخواهد قبولی عامه داشته باشد باید بهر قسم است روس را وادارد که قشونش را پس ببرد ، و تاوقتیکه انتشارات در اطراف ایران است روس قشونش را پس نخواهد برد ، و با بجهت دولت ایران ناچار از این است که ایالات مختلفه و دور از هم را بحال کمال امنیت بیاورد ، و برای پیشرفت اینکار قشون منظم بزرگی لازم است و همچنین بواسطه بهتر نمودن وسایل حمل و نقل باید ایالات را نزدیک تر بیکدیگر بیاورند و این دو اقدام هر دو بول کافی لازم دارد و بر دولت هم حالا ثابت شده است که بولی که

مختصر محدودی هم که میدهم ترتیبش تا بحال درست نبوده و معلوم نودجه میشد ، در عوض اینکه سرچشمه تازه برای عایدات دولتی بایم مجبوریم قرض کنیم ! مجبوریم برای اینکه از اشکالات دولت اطلاع نداریم ، برای اینکه قبل از آنکه اهل مملکت اطراف مسئله را بفهمند دولت نمیتواند این مالیات ها را بگذارد ، لهذا با خبر شدن اهل مملکت از اوضاع و از حرمت اقدامات دولت بدو لازم است ، این است تکلیف ایرانیها بیکه فعلاً از این نکات مطلعند ، این است تکلیف مطبوعات و اطرافها و سیاسیون مملکت ، عجائبات آنچه باید فوراً بشود این است که قرض ملی فوراً تهیه گردد و عمرکس باندازه خود ، بدهد و رفع احتیاج فوری دولت را بنماید و بعد باصلاح ترتیب مایه بپردازند ،

ای اهل ایران ، ای برادران ، حالا موقع است که مراتب وص دوستی خودتان را بخارجه ها ثابت کنید و بگذارید بعضی بحال شما تاسف خورند برخی تسخر نمایند و بارت بصیحت دهند ، ای پسران و دختران ایران عموماً ملح شوید در تحت سلاح آفاق ووص برستی و با مجلس ودولت همراهی کنید بفهمید چه چیز اسباب حفظ استقلال و موجب حراست حاک ایران و همت را بکنید و در راه حصول این مقصود - تمام اعراض شخصی را کنار بگذارید و برادر وار دست بدست بیکدیگر بدهید ، گول دشمنان ایران را نخورید اگر از حال پلندیکی وطن خود مطلع بودید چرا بایستی و قوعات مثل واقعه اردبیل و حمله به قوسل جنرال روس در نزدیکی شیراز واقع شود و دست مداخله خارجه دراز کند ، استقلال مملکت را بخطر اندازد و مجلس ملی ودولت را که شب و روز برای سعادت شما و ترقی وعظمت مملکت ایران جانفشانی میکنند بمشکلات اندازد ،

در ابتدای این خطابه اشاره باظهارات روزنامه « طمس » که روزنامه رسمی است نمودم ، حالا به بنیاد روزنامه « مورنیک پست » که از معتبر ترین روزنامه های انگلیس ودوست شما است چطور جواب « طمس » را میدهد و بچه نوع دلسوزی میکند و مینویسد ،